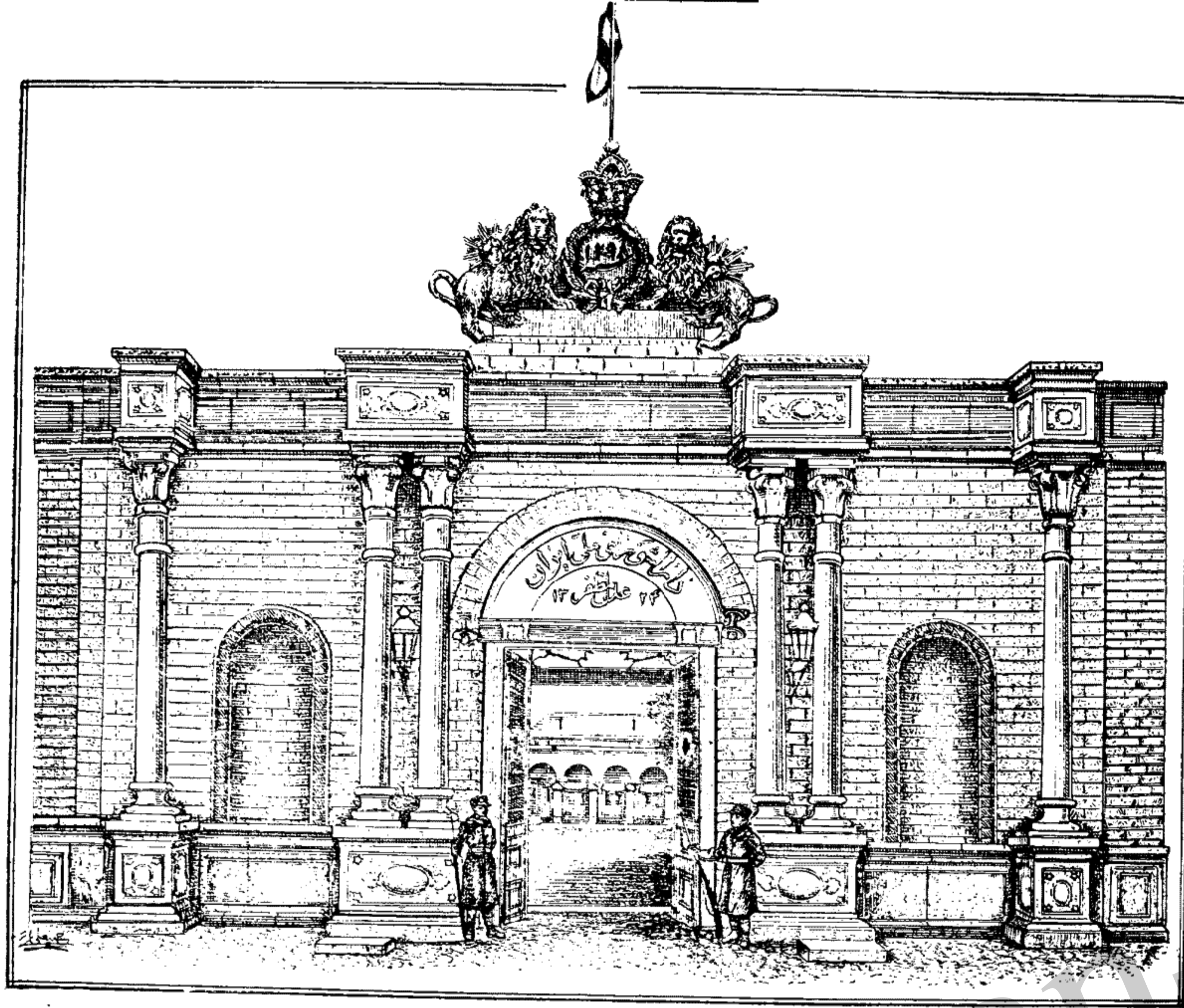


<p>جلسه ۹۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره شصت و یکم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به مطالبات کمیانی شنیدر کرزو فرانسوی و تصویب آن	۱۲۲۲	۱۲۳۶
۲	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به اعتبار پنج ملیون برای سنه ۱۳۰۶ راه آهن	۱۲۳۶	۱۲۴۶
۳	قانون اجازه پرداخت بقیه مطالبات کمیانی شنیدر کرزو فرانسوی بدو قسط متساوی	۱۲۴۷	

مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۹۵

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس پنجشنبه هفتم اردیبهشت را آقای
نقی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: میرزا حسینخان موقر - سید ابراهیم ضیاء
حشمتی - محمد آخوند - عطاء الله خان بالیزی - عباس
میرزا - نوحخت - میرزا محمد تقی بهار - دکتر لقمان.

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علیخان اعظمی - دشتی - حاج حسن آقا ملک
حاج غلامحسین ملک .

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: میرزا سید احمدخان اعتبار - عراقی - امیر
حسینخان ایباخانی - ملک مدنی - احتشام زاده - گنج
بخش - طباطبائی و کبلی - حاج میرزا مرآتی - محمودرضا
بهبهانی .

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروانی - محمد ولی خان اسدی - جمشیدی
مازندرانی - مرآتی قلیخان بیات - شریعت زاده -
جوانشیر .

رئیس - آقای عصر انقلاب

عصر انقلاب - آقای دشتی را غائب بی اجازه نوشته اند
در صورتیکه ایشان مریض هستند و بتوسط بنده استجازه
هم نموده اند .

رئیس - خوب بود يك یاد داشتی میدادند که
فرستاده میشد به کمیسیون نسبت به صورت مجلس دیگر
اعتراضی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - غیر از آن يك فقره اعتراض صورت مجلس
تصویب شد .

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به مطالبات
شدید کروزی مطرح است . آقای کازرونی

کازرونی - اگر چه بنده عقیده و عرایض خودم
را مشروحاً در جلسه گذشته به عرض رساندم حالا هم
باز عرض میکنم که با این شکل و این ترتیب و با
اینکه گفته شد که بروید دوسیه را مطالعه کنید و
يك عده از آقایان هم رفتند و با کمال عجله و بطور سراسری
مطالعه کردند با چیزی فهمیدند بطور منفی یا چیزی
فهمیدند و باینکه وقتشان این اندازه ها اجازه نمیداد

که دقت نظری بکنند بنده خوب نمیدانم که ما تصویب
کنیم این پول داده شود . بنده اعتراف میکنم و البته
بایستی هم اینطور باشد که اگر يك بده مسامی داشته
باشیم باید بپردازیم لکن به این شکل و با این عجله راجع
به يك دعوائی که تقریباً بیست و سه چهار سال از عمر
آن گذشته و اون عمرش هم در يك زمانی بوده که میتوان
بزمان هرج و مرج و بی حساسی و بی انتظامی تعبیر کنیم بنده
نمیدانم حقیقتاً تکلیف ما چیست ؟ اگر چنانچه ما
بخواهیم این مسئله را تصویب کنیم و از ما سؤال
بکنند يك جواب حساسی داریم ؟ بلی . فقط يك جواب
داریم و آن این است که وزراء ما که طرف اعتماد ما
بودند تشخیص دادند . این حرف خیلی صحیح است .
اما از طرف دیگر ما خواهند گفت که وزراء بعد از
آنکه تشخیص دادند آوردند به مجلس که شما هم تشخیص
بدهید و عقیده پیدا کنید که این بده مسلم بی شك و
تردید است . اگر اینطور بود که البته باید داده شود
ما هم مثل وزرائمان باید این عقیده بر امان پیدا شود و
قطع دارم که هیچ فردی از افراد نمایندگان محترم این
عقیده را ندارند که مایک بده نابق داشته باشیم و ندهیم
چیزیکه بنده میخواهم از عرایض خودم نتیجه بگیرم
این است . که چون مخبر محترم در جلسه قبل فرمودند
بالاخره کازرونی چه میگوید .

آقا سید یعقوب - مهمل

کازرونی - حالا چه عرض کنم ! بنده که درسو کمیسیون
نبودم به بیم مهمل است یا مستعمل ! اما همین اندازه
عرض میکنم که خوب است این دوسیه را طبع و فیما بین
نمایندگان توزیع کنند که از يك طرف بواسطه مطالعات
در جزئیات این دوسیه حقیقت معلوم شود و از طرف
دیگر هم از خارج يك تحقیقاتی بکنیم . مثلاً بنده شنیدم
در روزنامه آفتاب که نمیدانم در ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۲ طبع
میشده است شرحی راجع به این قضیه نوشته و بالاخره نمیکنند
و ثابت میکنند که دولت ایران این پول را مدیون

نیست . این را بنده شنیده ام و روزنامه آفتاب هم کان
میکنم نسخش در مجلس شورای ملی باشد اقللاً آنرا
بیاورند بیرون و به بینند به چه دلیل رد کرده . بنده
اطلاع دارم يك توبهائی وارد بوشهر شده این جا گفته شد
يك توبهائی بی فایده و کهنه بوده که چپانده اند بدولت
ایران (خنده نمایندگان) و همچنین تفنگ ها و اگر
ملاحظه کنیم و جنس تفنگ را در نظر بگیریم مبینیم
که تقریباً پولی که حالا در مقابل آن مطالبه می کنند
با قیمت واقعی بکلی منافات دارد . در هر صورت باز
هم تکرار میکنم که خوب است آقای وزیر محترم مالیه
هم موافقت بفرمایند که این دوسیه طبع و توزیع شود
که از روی دقت و مطالعه رأی داده شود

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده آمدم این جا که آنچه در باب این
لایحه عقیده وجدانی خودم است عرض کنم بدولت
اینکه این عرایض تأثیری در این داشته باشد یا ایهمی
داشته باشد در این که بنده با رسیدگی و تحقیق محذرت
داشته باشم . بنده در حسن نیت مخالفین و موافقین
هیچ شکی ندارم و از مذاکراتی که با فرد فرد آقایان در
خارج و داخل کرده ام دیدم تمامشان آنهائی که من
دیده ام با حسن نیت و با خلوص نیت این مسئله را
مذاکره میکنند . آنهائیکه موافقت اطلاعاتی
تحصیل کرده اند یا داشته اند و عقیده شان این است
که طلب حق است و باید داد و آنهائی که مخالفند بیشتر
برای این است که میگویند مطلب برایشان روشن نیست
و رسیدگی کامل نکرده اند و مکرر صحبت شد که نباید
در اینکار تعجیل شود باید دقت و رسیدگی بشود . بنده
با تحقیق و رسیدگی مخالف نیستم ولی با رد لایحه بطور
مطلق مخالفم و با تاخیر زیاده از حدش هم مخالفم . اینجا
در این چند روز آنچه بنده مواظبت کردم دیدم مجادله
شک است بایقین یعنی يك عده میگویند یقین داریم این
طلب مسلم است و باید داده شود و يك جمعی میگویند

ماشک داریم و نمیدانیم . خوب . این ندانستن دلیل نمیشود
که رأی به رد آن بدهند و شك غلبه کند بریقین . کار
مجلس البته در این امور این است که یا يك کاری را
رجوع بکنند بدولت که رسیدگی و دقت کامل بکنند و اعتماد
داشته باشد به وزارت مربوطه و اگر بیشتر میخواهند
تحقیق کنند در بعضی مسائل رجوع بکنند به يك
کمیسیونی (که بصطلاح مشروطه دوره اول می گفتند
انجمن تحقیق) انجمن از خود مجلس مامور میشود که
اینرا تحقیق کنند و اگر بیش از اینهم میخواهند تحقیق
کنند و فرداً فرد آقایان میل دارند رسیدگی کنند باز
هیچ مانعی نیست رسیدگی بکنند و بعد از رسیدگی وقتی
یقین کردند و وجداناً ایشان مسلم شد که باطل است
آن وقت رأی بر خلاف بدهند و الا به عقیده بنده
کسی که یقین به بطلان این طلب نداشته باشد
رأی به ردش نمی تواند بدهد زیرا مملکت مت را
در آتیه بيك مشکلاتی می اندازد که شاید مسؤولیت
متوجه آن کسی که رأی به رد داده میشود . حالا فرض
کنیم که در اصل قرار داد نوشته شده است که دولت
ایران باید فرانک طلا بدهد . اگر این طلبکار مساعدنی
کرده است و باین آمده است و مبلغی که میگیرد خیلی
کمتر از فرانک طلا است اگر حالا ما رد بکنیم يك
سال یا دو سال دیگر مطالبه کنند و مبلغی بیش از آنچه
که حالا مطالبه میکنند یعنی دویست هزار تومان دیگر
هم مطالبه کنند هر يك از آقایان که رأی رد بدهند
باید در نظر بگیرند که آن دویست هزار تومان پولی را
که مالیه مملکت بیش از حالا در آتیه باید بدهد يك
اندازه مسؤولیتش متوجه آنها خواهد بود . بعضی از
آقایان در جلسه گذشته بعد از آنکه بنده در کفایت
مذاکرات مخالفت کردم يك جمله گفتند . يك کلمه که
تعبیر به مالارضی صاحبه شده بود یا مفهوم نشده بود
گفتند من گفتم که اعتبارات دولت و امضاء دولت و
تعهدات دولت در هر حال معتبر است و مجلس مجبور

است آرا بدهد. بنده ابدأ راجع به امضاء دولت چیزی عرض نکردم گفتم تعهدات دولت. مقصود مملکت بود. چون دولت در زبان ما دو معنی میدهد یکی کابینه و دولت وقت و یکی دولت ایران. مثلاً میگویند با «دولت عهد نامه یا کنسرتات بسته» یعنی با تمام مملکت وقتی که مسلم باشد تعهدات دولت عیب و نقیصی ندارد البته معتبر است و هیچکس نمیتواند رد بکند ولی اگر يك تعهداتی کرده است که برخلاف مصالح مالی مملکت و برخلاف قانون اساسی باشد. البته وجه آن بنا گیر مملکت و ملت ایران نمیشود و هیچکس نباید این احتمال را بدهد که بنده عرض بکنم دولت امضایش را پای هر چیزی بگذارد خواه صحیح باشد خواه غلط. خواه مطابق قانون اساسی باشد خواه برخلاف قانون باشد ما مجبوریم قبول کنیم. همچو چیزی را ممکن نیست بنده عرض کرده باشم مقصود بنده این بود که انقلاب در مملکت تمام تعهدات سابقه را لغو و ابطال نمیکند. هر حال اگر هم میکنند یا نمیکند در انقلاب ایران در سنه هزار و سیصد و بیست و چهار همچو اعلان و تصمیمی نشد و مکرر گفته شد که تعهدات مملکتی که قبل از مشروطیت است آنها را نسخ نمیکنیم بلکه بالعکس تأیید هم شده است. پس انقلاب قروض سابقه را محو نمیکند مخصوصاً قروضی را که سیاسی باشد. البته این مطلب شاید هم استثناء داشته باشد. اگر پیش از مشروطیت بعضی تعهدات شده باشد که اصولش هم صحیح نبوده است و با اصول قرارداد های بین المللی هم صحیح در نمی آید شاید مملکت بتواند درش اعمال نظر و ایراد کند. ولی این قروض را کسی ایراد نکرد و الان هم ما سال به سال يك قروضی را می پردازیم و مجلس شورای ملی در بودجه رأی میدهد. و الان قرض چیل یا شیل را که یکی دو سال قبل از معامله شنیدر قرض شده است همه ساله می پردازند. بعضی صحبتها شده است در اینکه این پول سوء استعمال شده است در این باب بنده هیچ شك

ندارم. پولها تیکه در اواخر ایام قبل از مشروطیت و اوایل مشروطیت در آن چهار پنج سال قرض میشد و از خارجه گرفته میشد در داخله کاملاً سوء استعمال میشد. گاهی خیلی قسمت قلیلی بلکه صد يك یا صد پنجش بمصرف صحیح میرسید و این قرض تنها چیزی است که قبل از مشروطیت بقول آقایان شاید نصف یا ثلث یا هر كس میخواهد کمتر بگوید ربهش بمصرف صحیح رسیده است. ولی آن قرض که الان سال به سال میپردازند معلوم نیست که يك شاهی آن بمصرف صحیح رسیده باشد. بیست و دو میلیون و نیم مناط طلا (یکی از آقایان گفتند رسم نبوده است که در عهد نامه ها بنویسند طلا. بنده عرض میکنم که همیشه طلا نوشته شده است) که در ۱۹۰۰ قرض کردند مگر به مصرف صحیح نرسیده است؟ هیچ پولی در هیچوقت بمصرف ناصحیح نرسیده است از آن قرضهائی که از روس گرفتند و تعهدات کمرشکنی که در مقابلش برای مملکت کردند. يك ده میلیون دیگری در ۱۹۰۲ گرفتند چرا برای اینکه آن بیست و دو میلیون و نیم در يك سفر فرنگستان خرج شد و تمام شد و مجبور شدند ده میلیون دیگر بگیرند. آن ده میلیون هم تمام شد در ۱۹۰۳ صد و نود هزار لیره از انگلستان گرفتند. بعد از آن در سال آینده آنها تمام شد صد هزار لیره دیگر هم گرفتند که در بیست و نود هزار لیره شد بعد از فرمان مشروطیت سیصد و چهارده هزار لیره قرض کردند که بترتیب قسط بندی کردند. سال دیگر آنها تمام شد. اینکه تمام میشد شما خیال میکنید پادشاه وقت دست روی دست میگذاشت و دیگر قرض نمیکرد؟ خیر. گویا اشخاصی که مسؤول امور دولت بودند در آن زمان تا اندازه خیر خواهی و وطن دوستی کرده اند که چون مجبور بوده اند از روسیه قرض کنند و بموجب سند حق نداشته اند از دولت دیگری قرض کنند آنها رفته اند از فرانسه هم توپ گرفته اند و هم با اطلاع بنده پول هم گرفته اند. گرچه همانطور که

آقای وزیر مالیه فرمودند در دوسیه چنین چیزی نیست ولی بنده از اشخاص بسیار صحیح و موثق شنیده ام که پول هم گرفته اند. اگر میگفتند تفنگها را سه میلیون و نیم باصل قیمت حساب کنید و يك میلیون هم دستی بدهید روسیه مانع بود. اگر شنیدر نمیداد چه میکردند از روسیه میگرفتند ولی با يك تعهدات و شرایط دیگری شما خیال میکنید اگر شنیدر نمیداد پادشاه وقت میگفت لازم نداریم؟! خیر. از اینجا میرفت فرانسه پولش تمام میشد از شنیدر میگرفت از آنجا میرفت روسیه ز آنها میگرفت از آنجا میرفت بجای دیگر از کس دیگر میگرفت برگشت آمد با روان از طومانیانس گرفت تا آمد با ایران متصل میگرفت و این دلیل نمیشود که سوء استعمال و ریخت و پاشهائی بوده و اشخاصی که درستکار نبوده اند سوء استفاده کرده اند چنانکه بدبختانه میکنند بقول ایشان که در اول جلسه حرف زدند گفتند بعضی چیزها را نمیخواهم بگویم ولی بعضی چیزها بقدری واضح است که نمی شود اظهار کرد. ما نمی گوئیم درستکار در مملکت نداریم. چرا داریم و شاید خیلی هم داریم اما بدبختانه درست هم داشته ایم و همیشه این کارها میشده است. خصوصاً قبل از مشروطیت و ما میتوانیم ادعا کنیم که این ننگ بزرگی برای ما نمیشود اگر قبل از مشروطیت کاری کرده اند برای اینکه ما آن ننگ ها را زدودیم به اینکه آمدیم مشروطه گرفتیم و الان داریم نظارت میکنیم و هر گاه از آقایان که از چهارم تا ما کو آمده اند اینجا میخواهند یکی یکی ملاحظه و رسیدگی کنند و الان قریب دوازده است که در اطراف این قضیه صحبت میشود و این بسیار مستحسن است ولی بعد از رسیدگی نباید دیگر پولی که قرض مسلم دولت است رد کرد. البته تعهدات قبل از مشروطیت با تعهدات بعد از مشروطیت فرق دارد. بنده که اینجا میگویم تعهدات دولت را باید عمل کرد صریحاً عرض میکنم. نمیخواهم سابقه بگذارم که تعهداتی که بعد از مشروطیت برخلاف قوانین اساسی شده است این مملکت مانع است

که آنها را رعایت بکنند بعضی از آقایان به بنده فرمودند موافقت با این لایحه جرائت میخواهد که بگوئیم پولی بيك کپاتی خارجی باید داد بنده که این جرئت را این جا اظهار کردم برای موافقت با این لایحه حاضریم تا همین اندازه جرئت مخالفت بکنم با آن تعهداتی که باطل باشد و برخلاف قوانین اساسی مملکت باشد (نمایندهکان - صحیح است) قانون اساسی يك عهد نامه ایست بین دولت و ملت ایران و در آنجا يك اصول اساسی برای تعهدات مملکت در مقابل خارجه مقرر شده است و اگر مطابق آن اصول اساسی آن تعهدات برای مملکت نشده باشد البته مملکت حق دارد که آن را باطل و ملغی بداند. علاوه بر این که این قرض را از شنیدر کرده اند یعنی هم چیز گرفته اند و مقرروض مانده اند از بابت قیمتش و هم فرض میکنیم يك پول نقدی هم گرفته اند و علاوه بر اینکه يك قسمت بمصرف صحیح رسیده و توپ خوب آمده تفنگ لیل هند و چین و توپهای شنیدر بزرگ همین طوریکه در قرار دادش ملاحظه میکنید و بمصرف های صحیح هم رسیده است خود این کار علاوه بر اینکه آن تعهد سابق را نسبت روسیه میشکست يك قیودات دیگری را هم از گردن این مملکت بر میداشت. گرچه بموجب قرار داد کتبی نهد ولی در مقام عمل دولت ایران آزادی کامل خرید اسلحه را هم حس نمیکرد که از دولتهای خارجی هم می تواند خریداری کند و آنوقت از فرانسه هم اسلحه خریدند و هم قرض کردند یعنی از غیر از آن منبع و منشی که تعهد کرده بودند هر قدر ما این پول را پردازیم عاقبت از طلب صرف نظر نخواهد شد و ماها که این کار را بتأخیر بیندازیم باید چنانکه عرض کردم مسؤلیت تزیاید قیمت فرانک را بعهده وجدانی خودمان بگیریم زیرا اگر آقایانیکه دوسیه را ملاحظه فرموده اند يك نکته را توجه فرموده باشند در آخر قرارداد يك ماده حکمیت دارد معنایش این است که اگر دولت بمجلس در این باب اشکالی بکند و بالاخره باختلاف و مجادله منجر

شود در مادهٔ اخیر مینویسد که اگر راجع بمواد این قرارداد مجادله پیش بیاید رجوع بحکمت میشود. یکی از مواد هم همین است که در فلان قسط و فلان قسط این پول را بدهند. البته ترتیب حکمت را هم آقایان میدانند که کاملاً بدست ما نیست یعنی تمام حکمیتها همین طور است و بالاخره طوری نمیشود که هیچ پولی بصاحب طلب نداد و گمان نمیکنم که اصلاً چنین چیزی ممکن باشد. بعضی آقایان این را مقایسه کردند با طلبکاران داخلی بنده از صمیم قلب تصدیق میکنم که طلبکاران داخلی ما همان اندازه حق دارند و باید هم حق داشته باشند و مجلس شورای ملی هم باید واقعاً عهد و پیمان بکند و همان درجه اعتباری که در مقابل خارجه میخواهد داشته باشد در مقابل طلبکاران داخلی هم داشته باشد. این همیشه مادهٔ شکایت بود ولی این را هم باید در نظر گرفت که کاملاً نمیشود طلبکاران داخلی را با خارجه مقایسه کرد. البته يك مملکتی باید طلب داخلی را بپردازد ولی اگر يك وقتی خواست برخلاف قاعده هم کار بکند و بپردازد این يك جنگ داخلی است. مملکت سلطنت داخلی دارد ولی يك مملکتی نمیتواند طلب مسلم خارجی را بپردازد علاوه بر اینکه باشکالات بین المللی برمیخورد و اعتبارات مملکتی را در خارجه ضعیف میکند و این مهمترین نکات این مطلب است که الان مطرح است. اعتبار مملکت مادر چهار سال پنج سال اخیر بواسطه انتظام مالی و تعادل جمع و خرج مبلغ مهم و معتناسی در خارجه بالا رفته است و ما باید هر روز سعی کنیم که این اعتبار را بیشتر بکنیم و محفوظ تر کنیم و هر قدر مطالبات حقه خودمان را بپردازیم این اعتبار ما در خارجه زیادتر میشود. بعضی آقایان میگویند که اگر طلب حق را به بپردازیم شاید مانع بشود که طلب ناحق را هم بپردازیم بنده این را دیگر نمیفهمم آن کسی که طلب حقش را همیشه سروقت میپردازد بیشتر قوت دارد برای رد طلب ناحقش تا يك تجاری که عادتش در میان مردم این باشد که هر کس میگوید چیزی بده

میگوید نه. خواه حق باشد خواه ناحق آنوقت ناحقها هم حق پیدا میکنند از او چیزی بگیرند. اما اگر کسی برود بيك تاجر معتبری که همیشه طلب حقش را در موقع خودش میپردازد بگوید يك پولی بده او ندهد میگویند باید درست دقت کرد برای اینکه این شخص مؤمن مقدس درست و حسابی است پس باید شما درکار يك خدشه داشته باشید و الا او نمیگفت بندهم عرض کردم اعتبار مملکت در خارجه اهمیت عظیم دارد برای این موضوع میخواهم يك حکایت کوچکی عرض کنم آقایان شاید مسبوق باشند که در سی و پنج سال قبل دولت ایران يك امتیاز لائری بيك شخص ایرانی داد و بعد هم دولت ایران آن امتیاز را نقض کرد ولی آن شخص با اطلاع از نقض دولت آن را بيك کمپانی انگلیسی (به سندیکای انگلیس) فروخت به سی هزار لیره آنوقت دولت اعلان کرد که نقض کرده است بعد کمپانی گفت با دولت پول مرا بدهد یا امتیاز را دولت گفت امتیاز لغو است پول را هم از آن شخص بگیر، آن شخص هم اسنادی درست کرد که قبل از اینکه دولت نقض کند بکمپانی فروخته است کمپانی بدیخت نه از آن شخص توانست بگیرد نه از دولت. دولت وکیل معین کرد فرستاد به لندن و در محکمه لندن محاکمه کردند بالاخره دولت محکوم نشد و از آن شخص هم نتوانست بگیرد ولی آن مردمی که سهام داده بودند از بورس لندن پولشان از میان رفت، آنوقت گفتند ما چکار کنیم، گفتند ما از حالا نروزی که زنده هستیم هیچوقت در آتیه نمیگذاریم از بازار لندن برای ایران قرض شود و از آن تاریخ ناهزارو نهصد مسیحی که بیست و هفت سال قبل از این میشود هر وقت دولت ایران خواست در لندن يك قرضی بکند آن اشخاصی که در بازار و صرافیه نقوئی داشتند گفتند دولت ایران بد حساب است. ولی این مانع شدن آنها اسباب زیان برای مملکت نشد...

شیروانی - الحمد لله

تقی زاده - آقایان میفرمایند (الحمد لله) ولی باعث این شد و قتیکه دولت ایران خواست يك قرضی بکنند. (البته بعقیده ما لازم نبود قرض بکند و میخواستند هم بدهود خرج بکنند ولی خواست که بکنند) و نتوانست و کامیاب نشد و رفت از روسیه گرفت و شاید هم يك امتیازات و تعهدات سنگین تري را قبول کرد در مقابل روسیه که شاید اگر از لندن میگرفت آن اندازه نبود. بنده نمیدانم ولی اینطور معروفست. بسته شدن دست دولت در خارجه چیزی نیست که ما بگوئیم الحمد لله. دولت باید در خارجه دستش باز باشد و مجلس شورای ملی هم اجازه ندهد که قرض بکند و مالیاتش هم مثل امروز منظم باشد. که احتیاج بقرض نداشته باشد و آخر سال زیاده داشته باشد (نمایندگان - صحیح است) ولی اگر دست دولت در خارجه باز نباشد و اعتبار دولت در خارجه متزلزل بشود ما که اینجا نشسته ایم نمیتوانیم حساب کنیم و حدس بزنیم که چه ضررهای غیر قابل تحمیلی دارد. بعضی از آقایان ایراد در قسط آن کردند و فرمودند سال گذشته که تمام شده چطور قسط آن در امسال داده شود. خوب آنها بیکه نوشتند مقصودشان این بود که بدو قسط داده شود یکی را سال گذشته و یکی را امسال ولی از مجلس نگذشت که باز سال بدهند. اما اصلاً وقتی که طابرا باید داد چه لازم است که در دو قسط بدهند؟ وجه عیب دارد همانطوریکه یکی از آقایان فرمودند اگر يك قسط صبح بدهیم و یکی عصر چطور است بنده عرض میکنم اگر هر دو را صبح بدهند بهتر است و بسیار انبساط است و هیچ عیبی ندارد که دولت طلبش را يك مرتبه بدهد تمام کند. بهر حال يك صحبت هم شد که مملکت فقیر است و بعضی اشخاص هم دفاع کردند که فقیر نیست. بنده نمیدانم فقر دخالتی در این قضیه دارد یا نه ولی آنچه بنده میدانم فقر غیر از افلاس است و ما میتوانیم بگوئیم که نسبت به ممالکی فقیریم و فقر هم نك نیست ولی بحمد الله مفسس

نیستیم و اگر مفسس نباشیم و فقیر هم باشیم قروضان را کاملاً باید بدهیم پس همین قدر عرض میکنم اول هم عرض کردم حالا تکرار می کنم بنده هیچ غرضی از مدافعه این کار ندارم فقط مقصودم این است که این از مجلس رد نشود. هر قدر میخواهید مطالعه کنید رسیدگی کنید اما اگر باعتبار مملکت در خارجه صدمه برسد این برخلاف مصالح اساسی مملکت است و آقایان مخالفین خوبست مطالعه کامل بفرمایند که اگر رأی به رد بدهند یا امتناع می کنند با مطالعه بشد که آن رأی رد هم مثل رأی قبول هر دو مسؤلیت دارد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای خطیبی آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که مذاکرات کافی باشد بعد رأی گرفته شود.

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - معذک رأی میگیریم. آقایان بیکه مذاکرات

را کافی میدانند قیام فرمایند

(کثیر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. آقای نظامی پیشنهاد جناب

علی قرائت بشود؟

نظامی - پس میگیریم

رئیس - پیشنهاد آقای امامی

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح مادهٔ واحده را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم.

مادهٔ واحده - مجلس شورای ملی بوزارتنامه دو بیست هزار تومان اعتبار میدهد که پس از رسیدگی و تعیین ارزش واقعی اسلحه که بموجب قرارداد مورخهٔ اول اوت ۱۹۰۵ دولت ایران از کمپانی شنیدر کروزو ایتلیا نموده است و پس از اخذ قرار داد مزبور و اسناد خزانه که در آن تاریخ بابت قیمت این اسلحه ها صادر شده بشرحی که در کمپسیون بودجه ملاحظه شده و

دریافت اسناد تحویلی تمام اسلحه بدولت ایران و رسید وصول اصل و فرع تمام طلب که کمپانی شنیدر کروزو از دولت ایران ادعا میکند از بابت بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ به دو قسط بپردازد

رئیس - آقای امامی

امامی - بنده متأسفم از اینکه بعضی از آقایان رفقا معتقدند باینکه مجلس باید روی تشخیص و معتقدات آنها لوابیحی که به مجلس میآید فوراً بگذراند در صورتیکه خود آن آقایان تصدیق میکنند هر نماینده با اعتقاد باصل مسؤلیت در مقابل وجدان و موکلین خود موظف است لوابیحی که به مجلس میآید کاملاً در آنها دقت کرده و عقاید خودش را در اینجا عرض کند، بنده تصور میکنم با حسن ظن کامل که برفقای خودم دارم که در کمسیون بودجه تشریف دارند و مخصوصاً در سو کمسیون بوده اند علی الخصوص به مخبر محترم آقای شیروانی عرض میکنم کمپانی در این ادعای خودش که از دولت میکنند کاملاً ذی حق نیست بنده مخصوصاً حسب الامر مقام ریاست شخصاً دوسیه را مطالعه کرده با حضور نماینده مالیه که آقای افخمی باشند و با حضور یکی از نمایندگان محترم آقای کی استوان اتفاقاً در این مطالعه خودم کمپانی را کاملاً ذی حق نمیدانم البته هر کسی وقتی يك لایحه بمجلس میآید در آن لایحه طرف را ذی حق نداند مجبور بموافقت نیست عرض میکنم که ترتیب جریان این دوسیه این است که بعرض آقایان میرسانم اولاً این دوسیه اساساً يك دوسیه مرتبی نیست که مرتباً از ۱۹۰۵ که این قرارداد با این کمپانی شده است کاملاً يك جریانی داشته باشد و يك دوسیه ترتیب بدهد که امروز از مطالعه آن دوسیه بشود چیز هائی فهمید. اینطور نیست. این دوسیه را يك قسمت از وزارت امور خارجه. يك قسمت از وزارت مالیه و يك قسمت تقریباً از اشخاص یعنی از کاغذ هائی که اشخاص داده اند جمع شده است. البته آقایان تصدیق میفرمایند که با مطالعه اینطور دوسیه هیچوقت

انسان نمیتواند حکمیت و قضاوت صحیحی بکند. در ۱۹۰۵ دولت ایران يك قرارداد با کمپانی شنیدر کروزو بسته است و يك مقدار اسلحه هم از کمپانی مزبور خریده است در مقابل پنج میلیون فرانك طلا (همانطور که در قرارداد نوشته شده است) تقریباً در يكسال بعدش از این مبلغ سیصد و شصت هزار فرانك بکمپانی مزبور داده است و دو ماه دیگرش هم چهارده هزار فرانك دیگر بکمپانی پرداخته است اما اساساً این معامله همانطور که آقای دکتر تصدق در جلسه گذشته فرمودند و امروز هم آقای تقی زاده تصدیق فرمودند معامله اسلحه نبوده، يك معامله بوده است که زمامداران وقت تصور میکرده اند با این معامله میشود يك راهپائی برای دولت ایران باز کرد از این جهت باین ترتیب متوسل شده اند. در همان اوقاتی که این قرارداد بسته شده است و قرار بوده است این اسلحه بدولت ایران تسلیم شود در همان اوقات یکی از نمایندگان مهم ایران در خارجه يك راهپائی بدولت ایران میدهد زمامدار وقت که دیگر نمیدانم آنوقت کی بوده است میگوید: این اسلحه که کمپانی شنیدر کروزو بدولت ایران فروخته است این اسلحه از نظر مد آن روز خیلی کهنه است و از حیث استعمال آن روز خیلی کهنه است حتی کمپانی قبل از آنکه این اسلحه را به دولت ایران بفروشد خواسته بوده است اینها را بدولت کانادا یا يك دولت دیگری که درست در نظرم نیست بفروشد ولی بعد از آنکه آن دولت مطلع شده که این اسلحه ها بامستعمل است یا از مد افتاده است و باصطلاح مد آن روز نیست نخریده است بعد دولت چین مشتری این اسلحه ها شده است آنها هم بعد از آنکه مطلع شده اند مستعمل است و بدرد نمی خورد نخریده اند اتفاقاً يك دولت با عاطفه پیدا شده است که دولت ایران باشد گفته است که خوب کمپانی شنیدر کروزو نباید خیلی ضرر بکند حتماً این اسلحه را من قبول میکنم و میخرم یعنی دولت ایران مطلع نبوده است

و آن مأمورینی که وسیله این معامله بوده اند آنها با دخل هنگفتی که از این معامله کرده بودند دولت را اغفال میکنند و این اسلحه را تحویل بدولت آن روز میکنند. یکی از مأمورینی که واسطه این معامله بوده است و تقریباً از دوسیه هم مستفاد میشود که کاملاً آنجا ذی نفع بوده است و خیلی میخواهد از خودش تبرئه کند که خیر من در این جا تقصیری ندارم دولت و صدر اعظم وقت خودشان يك چنین خطاهائی کرده اند و من مسؤل نیستم در مقابل این خبط و خطاهائی که دولت کرده است اسلحه اگر خوب است یا نیست و بیفایده است تقصیر من نیست از آن دفاعهائی که آن مأمور دولت کرده است معلوم است که مستعمل بودن و خراب بودن اسلحه کاملاً صحیح است ...

زوار - ماده شصت و سه خیلی وقت است که اجرا نشده.

امامی - آقا بنده مجبورم که اطلاعات خودم را از روی دوسیه عرض کنم تا بحال در روی جریان هیچ کس صحبتی نکرده هر کس هر اظهاری کرده است در اطرافش بوده و بنده هم در دادن دین هیچ مخالف عقیده آقایان نیستم کاملاً معتقد هستم که دولت باید دین خودش را بپردازد ولی نه هر دینی که هر کس از سر جای خودش ادعا بکند و فوراً دولت حاضر بشود و يك لایحه بیاورد به مجلس و حتی با پروتست بگذراند بنده مخالف این هستم و عرض میکنم بعد از این جریان و کشف اینکه این اسلحه ها مد آن روز نبوده است با اینحال تمام اسلحه ها هم بدولت ایران تسلیم نشده است و بطوری که از دوسیه معلوم میشود فقط سه هزار صندوق از این اسلحه از راه بندر پهلوی و يك مقداری هم از راه بوشهر وارد شده است و قبض مرحوم سیهالار که وزیر جنگ بوده است در دوسیه مضبوط است اما این تمام اسلحه نبوده فقط يك مقدار از آن اسلحه ایتاعی بوده است که به آن قیمت گراف خریده شده

بود حالا گذشته از اینها اساساً يك چیزهائی هم از بعضی از اوراق دوسیه معلوم میشود و بنده هم از خارج يك تحقیقاتی در اطراف این موضوع کرده ام و يك اطلاعاتی که پیدا کرده ام این است: يك وقتی دولت روسیه يك قرضه بدولت ایران داده است که در زمان خزانه داری مولیتور بوده است، بعضی از نمایندگان - مرئوس

امامی - بله در زمان خزانه داری مسیو مرئوس بوده است آنوقت این کمپانی متوسل شده بدولت روس و انگلیس که شما چون زدیک بدولت ایران هستید طلب مرا از دولت ایران بگیرید و بمن مسترد کنید دولت روس هم که بدولت ایران قرض میداده است تقریباً این پول را بجمع دولت آورده است یعنی از پولیکه خودش بدولت ایران میداده است موضوع کرده در اینصورت کمپانی در آن ادعای واهی خودش کاملاً ذی حق نیست یعنی دودفعه میخواهد بگیرد يك دفعه آنجا يك دفعه حالا .. شیروانی - آن سند کجا است؟

امامی - عرض کرده ام اگر چنانچه اسناد زمان خزانه داری مرئوس بیرون بیاید و بعرض مجلس برسد تصور میکنم آنجا قضیه روشن شود ولی عرض کردم که در این قضیه کاملاً یقین ندارم و خودم هم معتقد نیستم اما يك اطلاعاتی که از خارج پیدا کرده ام این است که عرض کردم. حالا فرض میکنیم نگرفته است و يك ادعاهائی هم دارد اما باید رسیدگی بشود باینکه آن روز اسلحه که بدولت ایران فروخته شده است بچه میزان ارزش داشته است و چون آقایان اعتراض میکنند بیش از این عرض نمیکم و همانطور که پیشنهاد کردم نظر باینکه دولت باید کاملاً اعتبار خودش را حفظ کند و این اسناد را از دست کمپانی بگیرد عرض کردم دوستان هزار تومان بدولت اعتبار داده شود که خودش تحقیق کند و قیمت حقیقی این اسلحه را در آن روز معین کند و آن پولها را که داده شده موضوع بکند با قیمتی که امروز

فرانک دارد این قرض را بپردازد.

رئیس - آقای زوار که نیستند. آقای مهدوی مهدوی - بنده از اجازه که قبلاً خواسته بودم استفاده میکنم و عرض میکنم کمیسیون بودجه مدافعه و دعوائی در سر این طلب ندارد. در کمیسیون بودجه يك عده از آقایان نمایندگان بوده اند که یکی هم بند بوده ام رسیدگی کردیم بر ما اینطور معلوم شده که این طلب صحیح است و باید داد وقتی در مجلس بیدرأی داده شود رأی خواهیم داد حالا اگر آقایان نمایندگان میخواهند تحقیق کنند البته مجازند بنده که يك نفر بودم رسیدگی کرده و بر من معلوم شده است که این طلب صحیح است و باید داد.

اعامی - بنده سوء ظن به کمیسیون بودجه ندارم.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند؟

مخبر - رأی بگیرد.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قبل توجه نشد پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای ماده نوشته شود:

بوزارت مالیه اعتبار داده میشود که بعد از تحقیق کامل ادارات مربوطه آن وزارتخانه در تمام اسناد و قبوض کمیافی شنیدر و تحویل گرفتن آنها و اسقاط کمیافی تمام دعاوی مربوطه را مبلغی که زیاد تر از سیصد و بیست هزار تومان نباشد در شش سال هر سال سدس آن را بکمپانی بپردازد

مدرس - من اگر میدانستم که در این مسئله يك راه حل دیگری ممکن بود برای این مجلس یا مجلس آتیه برای این دولت یا دولت هر وقت پیدا شود آن را اختیار میکردم ولی مسئله که چند دوره بوده است و

دولتها هم مذاکره کرده اند بعقیده بنده يك راه حلی باید برایش پیدا کرد. سه نکته را بنده در این پیشنهاد در نظر گرفتم خدمت آقایان عرض میکنم اگر آقایان پسند فرمودند رأی بدهند. یکی اینکه مؤلثت تکمیل تحقیق را بوزارت مالیه بدهیم یعنی اعتبار بدهیم بوزارت مالیه ولی تکمیل تحقیق را خودش بکند و ادارات مربوطه خودش رجوع کنند آن مقدار بدهی واقعی دستش بیاید و مؤلثت کاملاً متوجه آنها باشد. مسئله دوم درجه آخر پول را سیصد و بیست هزار تومان قرار داده که بقیمت فرانک امروز باشد که سی هزار تومان تقریباً از آن قیمتی که در این لایحه مینویسد کسر میشود و بقیمت امروزه فرانک سیصد و بیست هزار تومان میشود که بعد از آن تحقیقی که وزارت مالیه میکنند آخر درجه اش سیصد و بیست هزار تومان باشد پائین تر هرچه شد خوب اما زیاد تر از این نشود. نکته سوم این است که من بدهی داخلی خودمان را ماده اش را خواندم بیست سال قرار داده بودیم این را پیشنهاد کردم شش سال به شش سهم متساوی هرسالی يك سهم را بدهیم. این سه نکته را بنده پیشنهاد کرده ام و گمان میکنم مجلس های بعد که بیایند و دولت های دیگری هم که بعد بیایند نمیتوانند يك طریق دیگری بسبیل قطع انحاء بکنند حالا هم بسته بنظر آقایان است.

افسر - پیشنهاد را تجزیه کنید.

مخبر - عرض کنم راجع به پیشنهاد آقای مدرس در خسارج هم يك مذاکراتی شد. سه نکته را که آقای مدرس در نظر گرفته اند قیمت اولش بطور اکل گمان میکنم در ماده که کمیسیون پیشنهاد کرده است. یعنی آقای مدرس فقط پیشنهاد کرده اند نخت مؤلثت وزارت مالیه در صورتیکه بنده عبارت ماده را میخوانم و گمان می کنم بطور شد و اکل این را تأمین کرده: مجلس شورایی ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد

که پس از اخذ قرارداد مضمی دولت وقت مورخه اول اوت ۱۹۰۵ از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه که در آن تاریخ از بابت قیمة این اسلحه ها صادر شده بشرحی که در مواد قرار داد در کمیسیون بودجه ملاحظه شده و دریافت اسناد نحووبی تمام اسلحه بدولت ایران از کمیافی شنیدر کروزو و رسید وصول تمام طلب مبلغ هشت میلیون فرانک ...

تمام جزئیات را که آقای مدرس در نظر داشتند م بطور وضوح در ماده نوشته ام در صورتیکه عبارتی را که آقای مدرس نوشته اند عبارت مبهمی است که نمیشود تمام این نکات را ازش استفاده کرد. در قسمت دوم که تبدیل فرانک بقران است البته این را ما در آن روزی که میخواهیم پول را بپردازیم در هر صورت باید فرانک را بقران تبدیل کنیم چون پول ما قران است. اگر در آن قسمت آقای مدرس موافقت بفرمایند که بنرخ روز بپردازیم ممکن است بنده از طرف کمیسیون قبول کنم و اما در قسمت شش سال هم تصدیق میفرمایند که يك موضوعی اینقدر طولش بدهیم آنهم این طلب جزئی خوب نیست آزا هم موافقت بفرمایند که چون همانطور که فرمودند ممکن است این هر دو در یکسال داده شود و این صحیح نیست آزا موافقت بفرمایند و دو سالش بکنند دولت هم دو سال را قبول میکند. مقصود این است که اگر اصلاحی در پیشنهاد خودشان بکنند بنده ممکن است قبول کنم والا باینصورت بنده نمیتوانم قبول کنم.

یک نفر از نمایندگان - مجدداً خوانده شود

(بشرح گذشته خوانده شد)

مدرس - يك سوء تفاهمی است اجازه میفرماید توضیح بدهم؟

رئیس - بنده متأسفم که سابقه ندارد

مدرس - سوء تفاهم است

وزیر مالیه - اجازه میفرمایید؟ این سوء تفاهم را که آقای

میخواهند رفع بکنند اگر اجازه بفرمایند بنده از طرف ایشان رفع میکنم و در تأیید اظهارات آقای مخبر عرض میکنم اینکه آقای مدرس خواسته اند وزارت مالیه تحقیقات بکنند آقای مخبر این را کاملاً ملتفت شدند و خود بنده هم ملتفت شده ولی تصدیق میفرمایند عبارتی را که کمیسیون نوشته برای مقصود حضرتعالی و سایر آقایان وافی تر است چرا؟ برای اینکه از نقطه نظر تحقیق و رسیدگی که باشد وزارت مالیه که این لایحه را پیشنهاد کرده البته تحقیق و رسیدگی کرده است و آنطوریکه در خبر کمیسیون نوشته اند مخصوصاً قید کرده اند که آن اسناد مهم را باید بگیرد که اسنادی پیش او نباشد کمیسیون این را توضیح کرده در صورتیکه تحقیق تنها ممکن است از روی صورت حساب ها و دوسیه ها هم بشود و بنده تصور میکنم باینطوری که در خبر کمیسیون است نظر آقای را وافی تر است و ممکن است آنجا لفظ (و تحقیقات دیگری هم میکند) علاوه شود که آن را هم خود آقای مخبر علاوه میکنند برای اینکه اختلافی در قضیه نباشد. ما در قسمت ثان پیشنهاد بنده تأیید میکنم نظر آقای مخبر را و اگر تأیید میکنم برای موافقت با نظر مجلس و گذراندن کار است. تفاوت در این جا است: پیشنهاد آقایان این است که گفته اند سیصد و بیست هزار تومان و ناچار حساب کرده اند مبلغ پیشنهادی در لایحه را بنرخ امروز و این عدد سیصد و بیست هزار تومان را پیدا کرده اند. آقای مخبر اظهار کردند که همان فرانک را آقا تصدیق کنند با قید اینکه به نرخ روز تعبیر و حساب شود و این هر دو یکی میشود ولی تفاوت در این است که آیا این حسابی که شده است و فرمودند سیصد و بیست هزار تومان از او پیدا شده صحیح است یا نه؟ و البته برای مخبر که میخواهد این قلمرا قبول کند محتاج بيك محاسبه و رسیدگی به تبدیل نرخ است در صورتیکه این مشکل است و فعلاً ممکن نیست اگر آقا نظرشان این است ممکن است پیشنهاد کنند به

نرخ امروز باشد و ما هم قید میکنیم که به نرخ روز باشد و البته این را هم باید بنده توضیح عرض کنم و تقاضای کم آقایان هم کاملاً دقت بفرمایند. این برخلاف ترتیبی است که وزارت مالیه با کمپانی در آن روزی که مذاکره کرده و به نرخ آن روز قطع کرده و البته يك همچو قضیه قرار داد بین وزارت مالیه و کمپانی در دو سال قبل بوده است و این قضیه بین طرفین بوده است و امروز رضایت او را نمیشود قطعاً تصدیق کرد. اما آقایان که این نظر را داشته باشند دولت مکلف بمتابعت نظر مجلس است و می گوید مجلس این طور و این شکل تصویب کرده و البته سعی میکنند که آنها هم قبول کنند و اگر اعتراضی هم کردند ممکن است آن اعتراضشان را به عرض مجلس رساند و در هر صورت دولت مکلف است نظر مجلس را تأیید کند و بنده تأیید نظر آقای مخر را میکنم که همان ترتیب فرانک که نوشته شده با قید نرخ روز تصویب مجلس شورای ملی که امروز باشد معین شود و این را حساب می کنند و میپردازند و اما راجع بمدت: بنده این جا می خواهم تقاضا کنم که در موضوع مدت هم مساعدت بفرمایند و آن حرفی که آقای تقی زاده فرمودند خیلی حرف صحیحی بود پول را وقتی باید داد باید داد. منتهی البته آقای مدرس که این قسمت را میفرمایند برای این است که برای وزارت مالیه و خزانه مملکت اشکالی نباشد که يك مرتبه يك مبلغ هنگفتی بدهند و شاید پول کافی نباشد و مجبور شوند از مخارج دیگر صرف نظر کنند ولی خود وزارت مالیه هم سیصد و پنج و سیصد و شش را قبول کرده و همینطور هم قرار گذاشته بود که بپردازد و حالا هم خوبست روی همان نظر بروند که مدت زیاد تر از دو سال نباشد و ما هم ممکن است برای رعایت نظر آقای سیصد و شش و سیصد و هفت بکنیم که رعایت خزانه و وزارت مالیه را هم کرده باشیم و باز هم این البته يك نقصی است با آن قراریکه وزارت مالیه با کمپانی گذارده بود از برای اینکه قرار بود سیصد و پنج و سیصد

و شش باشد و محتاج است باینکه دولت نظر به تعیین تکلیف مجلس با او مذاکره کند و امیدواریم که او هم قبول کند و به این ترتیب اگر آقا اصلاح کنند مخر هم قبول میکند و ماده اصلاح میشود.

رئیس - (خطاب با آقای مدرس) - اگر توضیح نظامنامه دارید بفرمائید

مدرس - خیر میخواستم جواب ایشان را بدهم اگر میفرمائید ندهم نمیدهم بقیمت امروزش را قبول میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود...

مخر - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

مخر - عرض کنم نظر آقای مدرس را بنده یاد داشت کردم و تقدیم کردم خدمتشان مقصودشان این است که این کار تمام بشود ولی پیشنهاد ایشان يك نکته اساسی دارد. چیزی را که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند و تذکر داده اند این است که اسقاط کلیه دعاوی کمپانی از دولت ایران بشود این عبارت را مادرماده زیاد میکنیم، دوم اینکه به نرخ يك روز قبل از تصویب باشد زیرا آن نرخ روز هم اصلاح نیست و ممکن است آن روز برود بالا و به نرخ يك روز قبل از تصویب بهتر است، در پرداختش هم از بابت اعتبار سیصد و شش و سیصد و هفت باشد این سه نظر را موافقت بفرمایند و رأی گرفته شود.

مدرس - در آن روزش موافقم ولی آن دو سال سه سال باشد

بعضی از نمایندگان - دو سال را قبول کنید

مدرس - دو ساله باشد موافقم

رئیس - دو ساله به نرخ يك روز قبل از تصویب

قسمت تحقیقات چه میشود؟

مخر - اسقاط دعاوی کافی است.

رئیس - پس میخواهید اصلاحش کنید بعد رأی بگیریم!

وزیر مالیه - الان اصلاح کردند.

(ماده اصلاح شده بشرح ذیل خوانده شد)

مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که پس از اخذ قرارداد مضای دولت وقت مورخه اول اوت ۱۹۰۵ از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه که در آن تاریخ از بابت قیمت اسلحه صادر شده بشرحی که در مواد قرارداد که در کمیسیون بودجه ملاحظه شده و دریافت اسناد تحویلی تمام اسلحه بدولت ایران از کمپانی شنیدر کروزو و رسید وصول تمام طلب و اسقاط کلیه دعاوی کمپانی از دولت ایران مبلغ هشت میلیون فرانک کاغذ مطالبات کمپانی شنیدر کروزو فرانسوی را به نرخ يك روز قبل از تصویب از بابت بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بدو قسط یکی چهار میلیون و هفتصد و پنجاه هزار فرانک و دیگری سه میلیون و دو صد و پنجاه هزار فرانک از قرار هر صد فرانک چهار تومان و چهار قران بپردازد.

رئیس - این قسمت اخیر حذف میشود

آقا سید یعقوب - بنده يك اشتباهی برایم باقی مانده اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده يك شبهه برایم باقی مانده و آن بر حسب این است که (آقایان هم رفته اند دوسیه را دیده اند) کمپانی اطریشی هم شریک بوده است با این کمپانی شنیدر کروزو گرچه مادر حساب همان کمپانی شنیدر کروزو است ولی خواستم در اینجا توضیحی داده شود که در واقع برای دولت ایران هیچ راجع به خرید اسلحه و اینها بعدها گفتگویی نباشد میخواستم این شبهه رفع شود.

باسائی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

باسائی - بنده خیال میکنم اگر ما قرار بدهیم نرخ روز آنوقت بیست و شش هزار و هفتصد تومان تفاوت میکند و ما میخواهیم مناط بردخت را قران قرار بدهیم نه فرانک. اگر مناط را قران قرار بدهید قسط بعد را بطوری که نوشته اند ما ناچاریم گرانت فرانک بخریم و بدهیم و باید ضوری مشخص کنیم که این بیست و شش هزار تومان تفاوت قیمت امروزه از این مبلغ کسر شود

مخر - عرض کنم چون ما یقین نداریم نرخ فرانک فعلاً چقدر است ولی مقصود این است به نرخی که امروز فرانک قیمت میشود کلیه این طلب را بپردازیم و بری اینکه صریحتر شود بنده پیشنهاد میکنم بعرض يك روز قبل از تصویب اصلاح شود به نرخ هفتم فروردین ۱۳۰۶ بعضی از نمایندگان - اردی بهشت

مخر - بلی اردی بهشت.

رئیس - چون این پیشنهاد را کمیسیون قبول کرده است در واقع پیشنهاد کمیسیون است و سایر پیشنهادها مقدمند بر او. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم با قیودی که در خبر کمیسیون شده و بعد از تسعیر کردن تمام حقوقی را که کمپانی شنیدر از دولت ایران مطالبه میکنند به مبلغی که زیاده از سیصد و بیست هزار تومان نباشد در مدت پنج سال به پنج قسط متساوی دولت کمپانی شنیدر کارسازی نماید.

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - اولاً بنده عرض میکنم خدا شاهد است در دادن این پیشنهاد تحت تأثیر کسی نیستم جز تحت تأثیرات خدائی و نظرم این است که جلوگیری بشود از مخارج و اضافاتی که همه میدانند برخلاف صلاح این مملکت است و همه روزه از مجلس میگذرد بلکه بتوانیم داخل در اصلاحاتی بشویم حالا از این گذشته بنده چند مرتبه خواستم که این دوسیه طبع و

توزیع بشود فرمودند فلان قدر خرج دارد و قبول نشود چون قبول نشد لابد هر چه کمتر ضرر بایران بخورد بهتر است و کمپانی را هم همت کنند راضی کنند. باین ملاحظه این پیشنهاد را کردم چون قیودی که در خبر کمیسیون شده کاملاً مراعات تمام قیود نشده و بنده لازم دانستم که مراعات تمام آن قیود بشود و آنوقت يك مرتبه اعتباری در حدود سیصد و بیست هزار تومان بدولت داده شود که به کمپانی بپردازد حالا نمیدانم کمپانی قبول کند یا نکند شاید هم قبول کند و بنده موافقم که یکسال هم کمتر باشد و بالاخره سه سال بشود.

رئیس -- آقای زوار که عضو کمیسیون نیستند.

آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات -- این جا آقای فیروز آبادی يك قدری بی لطفی فرمودند و فرمودند بعضی لوائح که برخلاف مصالح مملکتی است میآید اینجا و میگذرد.

فیروز آبادی -- عقیده خودم را گفتم

بیات -- چنانچه عقیده خودشان هم باشد نباید این اظهار را کرد برای اینکه سایر آقایان هم که رأی میدهند مطابق عقیده خودشان است و بنظر بنده يك اظهاراتی که بر میخورد بسیار منقضی نیست ایشان در مجلس فرمایند. ایشان يك عقیده دارند سایرین هم يك عقیده و البته هر چه را که اکثریت مجلس تصویب کرد آن را باید گفت صلاح مملکت است.

فیروز آبادی -- در خراب کردن عدلیه چه مصلحتی بود؟

بیات -- در هر حال صلاحیت هم باشد یا نباشد بنده نمیدانم هر کس عقیده خود را باید اظهار بکند و ماها هم که در این مجلس هستیم نباید نسبت به عقیده همدیگر توهین کنیم و اما راجع به پیشنهادی که کرده اند به عقیده بنده يك پیشنهادی آقای مدرس کردند که از طرف کمیسیون و دولت هم موافقت شد و يك ترتیبی شد که در واقع تمام نظریات محفوظ ماند اولاً بنرخ روز شد ثانیاً مدت

آن برای دو سال شد و دیگر به عقیده بنده برای يك سال دو سال نباید این قدر اشکال کرد و این مذاکرات شایسته مجلس نیست و بنده معتقدم که آقایان باید توجهی باوقات مجلس بکنند که تضییع نشود و بالاخره به همان پیشنهاد آقای مدرس که همه متفق شده اند و نماینده دولت و مخبر هم موافقت کردند رأی گرفته شود و دیگر در پیشنهادها بیخود وقت مجلس تلف نشود

رئیس -- رأی گرفته میشود بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد -- آقایان باسائی و اعتبار و دکتر طاهری پیشنهاد کرده اند به نرخ روز باشد باسائی -- دیگر مورد ندارد

رئیس -- آقای فرشی چطور؟ فرشی -- بنده هم چون مقصودم حاصل شد پس میگیرم

رئیس -- آقای اسفندیاری هم همینطور؟ اسفندیاری -- پیشنهاد بنده هم در ضمن پیشنهاد آقای مدرس تأمین شد.

رئیس -- آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند هر صد فرانک چهار تومان باشد

فیروز آبادی -- پس میگیرم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب هم پیشنهاد کرده اند چهار تومان باشد

آقا سید یعقوب -- بنده هم پس میگیرم

رئیس -- پیشنهاد آقای احتشام زاده (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود.

ماده واحده -- مجلس شورای ملی بدولت اعتبار میدهد که پس از رسیدگی باسناد و نوشتجات مربوطه بمعامله

خرید اسلحه از کمپانی شنیدر و تشخیص طلب حقیقی کمپانی و اخذ اسنادی که از این بابت در دست کمپانی میباشد و همچنین اخذ رسید تمام طلب از کمپانی مبلغی که بیش از سیصد و بیست هزار تومان نباشد بدو قسط در دو سال بپردازد

رئیس -- بفرمائید

احتشام زاده -- اگر چنانچه قبلاً رسیدگی شده بود و طلب حقه کمپانی معین شده بود این پیشنهاد را عرض نمی کردم ولی چون این طور نشده و بیستی مراجعه کرد به اسنادی که در دست کمپانی است باین جهت بنده منظوره از این پیشنهاد دو نظر است یکی اینکه در این لایحه قید شود که وزارت مالیه کاملاً مقید باشد به اسناد رسیدگی کند و تشخیص بدهد طلب کمپانی را و یکی دیگر اینکه این مبلغی که داده میشود اعتبار باشد یعنی مبلغی نباشد که تمام شده و قطع شده باشد پس از اینکه رسیدگی کرد چنانچه در حدود این مقدار باشد بدهند و در سایر قسمت ها بنده هم موافقم که به نرخ هفتم اردی بهشت باشد ولی این دو نکته را گمان میکنم لازم است که در این جا باسما اعتبار باشد و یکی هم اضافه شود که پس از رسیدگی و تشخیص طلب حقه کمپانی

مخبر -- کلیه نظریات نماینده محترم در ضمن پیشنهاد آقای مدرس تأمین شده و تصور میکنم دیگر مورد نداشته باشد.

رئیس -- آقای بامداد عضو کمیسیون هستید؟

بامداد -- بله: همانطور که آقای مخبر هم اظهار کردند تصور می کنم نظریات آقایان در ماده تأمین شده است و البته بعد از آنکه تمام اسناد کمپانی را دولت رسیدگی کرد خواهند داد و اما عبارت مجاز است یا اعتبار داده میشود که بنظرشان رسیده بود. تمام لوائح پولی که بوزارت مالیه اجازه یا اعتبار داده میشود بپردازد کلمه مجاز است نوشته شده و عبارت مجاز است

رئیس -- رأی گرفته میشود بین ماده ...

باسائی -- اجازه میفرمائید؟ باز اشکال رفع نشد.

رئیس -- بفرمائید

باسائی -- بنده تصور میکنم دیگر اسمی از فرانک بردن در قسمت آخر ماده صحیح نیست. ما هشت میلیون فرانک

را به نرخ امروز سیصد و بیست هزار تومان میدهم. چون قران ثابت است ولی بنظر بنده ممکن است فرانک ترقی بکند و هر صد فرانکی شش تومان بخزند و باید قران باشد و بدو قسط متساوی مخبر - بدو قسط متساوی نوشته شود و در سطر سه و چهار و پنج هم (فرانک) حذف میشود و فقط نوشته میشود از بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بدو قسط متساوی پرداخته شود.

بیات - بکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت نمایه اجازه میدهد که پس از اخذ قرار داد مصای دولت وقت مورخه اول اوت ۱۹۰۵ از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه که در آن تاریخ از بابت قیمت این اسلحه ها صادر شده بشرحی که در مواد قرارداد در کمیسیون بودجه ملاحظه شده و دریافت اسناد تحویلی تمام اسلحه بدولت ایران از کمپانی شنیدر کروزو و رسید وصول تمام طلب و اسقاط کلیه دعاوی کمپانی از دولت ایران مبلغ هشت میلیون فرانک بقیه مطالبات کمپانی شنیدر کروزو فرانسوی را به نرخ هفتم اردی بهشت ۱۳۰۶ بقران تسعیر نموده از بابت بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بدو قسط متساوی بپردازد.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده واحده بترتیبی که قرائت شد با اوراق آقایان موافقین اوراق سفید میدهند (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بشرح ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۵۸

ورقه کبود علامت رد ۳

اسامی موافقین

آقایان: آقا سید یعقوب - محمود رضا - آوانس خان مساعد شیروان - میرزا صادق خان خواجوی - زعیم - غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - میرزا سیدعلی - میرزا سید مهدی معتمد میرزا حسن خان وثوق - دکتر رفیع خان امین - حاج آقا حسین

زنجانی - شریعت زاده - ثقة الاسلام بروجردی - میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - زوار - دولتشاهی - دکتر سنک - روحی - اسفندیاری - میرمناز - جلالی - مرتضی قلیخان بیات - میرزا عبدالباقی - سید حسین آقاییان - اعتبار باسائی - معظمی - شیخ محمد علی امام جمعه شیراز - تقی زاده - آقا رضا مهدوی - ملک ابرج پور نیمور - یحیی خان زنگنه اعظمی - میرزا عبدالله خان وثوق - آقا علی زارع - محمد تقی خان اسعد - محمد ولی میرزا ملک آرائی - اسکندر خان مقدم - لبقوانی - وکیلانی طباطبائی - جوانشیر - حاج میرزا آقا فرشی - میرزا ابراهیم خان قوام - جهانشاهی - محمد هاشم میرزا افسر ذوالقدر - فهیمی - سید کاظم بزدی - دکتر لقمان - حاج میرزا حبیب الله امین - مدرس - افشار - بی سلیمان امیر حسینخان ایلخانی - میرزا علیخان خطیبی - میرزا ابراهیم خان الحمی

اسامی مخالفین

آقایان: حاج سیدرضا فیروز آبادی - امیر تیمور کلالی میرزا جواد خان خوئی

رئیس - عده حاضر نود و شش با پنجاه و هشت رأی تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - تنفس

رئیس - چند دقیقه تعطیل میشود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده اول خبر کمیسیون بودجه راجع به راه آهن مراجعه شده بود بکمیسیون و در ثانی خبری داده اند که طبع و توزیع شده است قرائت میشود و بعد از مذاکره رأی میگیریم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی برای اجرای قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۰۵ راجع به راه آهن در سنه

۱۳۰۶ تا حدود پنج میلیون تومان بدولت اعتباری دهد مخارج لازم برای ساختمان راه آهن از قبیل خرید ادوات - حقوق متخصصین - مزد کارگر تحت نظارت و تفتیش رئیس کل مالیه بعمل خواهد آمد. دولت مجاز است که اعتبار مخارج مصوبه برای یکسال را در سالهای دیگر مصرف و یا در حدود آن تعهداتی برای سالهای دیگر بنماید.

تبصره ۱ - مستخدمین اداری راه آهن از بین مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب و متخصصین فنی برطبق قانون اساسی و قوانین موضوعه کتبرات خواهند شد و با استثناء عمده و سرعمله و اجزاء جزء و متخصصین فنی که هنوز کتبرات آنها منعقد نشده است پرداخت حقوق بعنوان روز مزدی ممنوع خواهد بود

تبصره ۲ - بودجه اداری راه آهن بایستی با رعایت قوانین موضوعه و صرفه جوئی کامل همه ساله در ضمن بودجه فوائد عامه بجزء تهیه و پس از تصویب مجلس شورای ملی از محل اعتبار راه آهن پرداخته شود

تبصره ۳ - دولت مکلف است شش ماه به شش ماه صورت مخارج مقدماتی و ساختمان راه آهن را برای اطلاع نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده در کلیات آخر عرض دارم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نسبت بخط آهن هیچ مخالفتی ندارم و امیدوارم انشاء الله تعالی عملی هم بشود لفظ و صورت نباشد تا بلکه ما از این اتومبوس ها که عنقریب مملکت

را بیک مخاطرات بزرگی می اندازد و پول ما بجهت خارجی ها خواهد رفت نجات پیدا کنیم. اما خط آهنی میخواهیم که انشاء الله بشود و بعقیده خود طرز عملی شدنش هم این است که ما با کمال احتیاط عمل کنیم و بیک مرتبه پنج میلیون اعتبار دادن را بنده عقیده ندارم و عقیده ام اینست که دو میلیون سه میلیون اعتبار داده شود آن را مصرف کنند چنانچه بطرز صحیحی مصرف شد و مصون از خطا شد (نمی گویم عمداً اما خطا ممکن است بشود) اگر این دو سه میلیون بمصرف صحیح رسید و خطا نشد آنوقت دو میلیون با سه میلیون دیگر هم اعتبار میدهم ولی بدو پنج میلیون اعتبار داده شود بنده باین قسم اعتبارات مخالفم.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - آقا مخالفت خودشانرا بکمرتبه دیگر هم بیان فرمودند: این قسم احتیاط هائی که بعضی از آقایان جمع به راه آهن میکنند بعقیده بنده مورد ندارد و ممکن است دولت بک اعتبارات بیشتری هم بخواند. این وجوهی که را کدمانده است باید باین مصرف برسد و دولت هم باید این کار را بکند و بالاخره شما چه پنج مرتبه رأی بدهید بیک میلیون و دو میلیون و چه بیک مرتبه فرقی ندارد اگر از نقطه نظر نظارت در مصرف رساندن و خرج کردن نظری دارید که آنها با این قیودی که در این راپورت شده و با این تبصره هائی که اضافه شده است و با قید اینکه تحت نظارت رئیس کل مالیه باشد و با بودن مجلس شورای ملی بنده اطمینان میدهم که هیچگونه خطائی متوجه نشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

(اظہار شد - بلی)

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده قسمت اول تبصره ۱ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم
تبصره ۱ - مستخدمین اداری راه آهن از بین
مستخدمین رسمی وزارتخانهها اعم از مصدین شغل یا منتظرین
خدمت انتخاب خواهند شد.

رئیس - بفرمائید

فهیمی - این قسمت را در دفعه سابق که مطرح بود
بنده پیشنهاد کردم و آقای مخبر هم قبول کردند و حالا
مجدداً عرض میکنم این شکلی که نوشته شده است مخالف
با قانون استخدام است. عبارت همچو میفهمند که
مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت از هم مجزا هستند
یعنی منتظرین خدمت جزو مستخدمین رسمی محسوب
نمیشوند در صورتیکه آنها جزو مستخدمین رسمی محسوب
میشوند و مدت انتظار خدمتشان جزو کلیه مدت خدمتشان
محسوب میشود و حقوق هم میگیرند. بنده پیشنهاد کردم
مستخدمین رسمی اعم از منتظرین خدمت یا مصدیان شغل
صحیح هم بود آقای مخبر هم قبول کردند

مخبر - مقصود کمیسیون هم همین بوده است معیناً برای
اینکه تصریح شده باشد بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح عبارتی ذیل را در تبصره (۱) پیشنهاد
میکم:

تبصره (۱) - مستخدمین اداری راه آهن از بین
مستخدمین رسمی و منتظرین خدمت وزارتخانهها انتخاب
و متخصصین فنی: طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه
کنترات خواهند شد و باستثناء متخصصین فنی که هنوز
کنترات آنها منعقد نشده است و عمله و سر عمله و اجزاء
جزء پرداخت حقوق به عنوان روز مزدی ممنوع
خواهد بود.

رئیس - بفرمائید

میرزا عبدالله خان وثوق - نظر بنده در این پیشنهاد

که تقدیم کردم این بود که در قسمت اول مینویسد:
به استثناء عمله و سر عمله و اجزاء جزء و متخصصین فنی
که هنوز کنترات آنها منعقد نشده است. چون عمله
و سر عمله و اجزاء جزء قبل از متخصص فنی نوشته
شده است (و کنترات آنها منعقد نشده) شامل آنها
هم میشود این است که بنده متخصص فنی را مقدم گذاشتم
و عمله و سر عمله و اینها را که محتاج بکنترات نمیشوند
بعد گذاشتم و گمان میکنم آقای مخبر هم قبول بفرمایند

مخبر - مقصود ایشان این است که متخصص مقدم بر
عمله و سر عمله باشد که عبارت آخر عطف بآنها نشود
بنده برای اصلاح عبارت و برای اینکه روشن تر بشود
قبول میکنم...

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آقای مخبر برای سرعت گذشتن اینجاده این
را قبول کردند ولی خود آقای میرزا عبدالله خان باید بدانند که
عمله را کسی کنترات نمیکند و هیچوقت لفظ کنترات بعمله
بر نمیخورد غرضم این بود که يك استفاده فرمودند که
هیچکس همچو استفاده از عبارت نمیکند برای اینکه سر عمله
را کسی کنترات نمیکند.

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده

(بترتیب ذیل خوانده شد)

این جانب پیشنهاد میکنم در آخر تبصره اول اضافه
شود: «مگر متخصصین فنی خارجی که کنترات آنها
مطابق قانون اساسی بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود»

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده پیشنهاد خودم را که در جلسه
سابق کرده بودم حالا تجدید میکنم و امیدوارم حالا
رأی قطعی داده شود. آقایان تصور فرموده اند که
با بودن لفظ (برطبق قانون اساسی) این مسئله تأمین
و حل میشود ولی بعقیده بنده این کافی نیست برای

شود که دولت استخدام متخصصین فنی را بر طبق قوانین
موضوعه حق دارد مگر متخصصین خارجی که استخدام آنها
باید بتصویب مجلس باشد این است که بنده آن پیشنهاد
خودم را تجدید میکنم و گمان میکنم این اصلاح که کرده
اند کافی بمقصودی که در جلسه قبل عرض کرده
نیست.

مخبر - توضیحی را که نماینده محترم دادند مؤید همین
چیزی است که از کمیسیون بودجه آمده است زیرا
همانطوریکه فرمودند ما در يك قانونی تجدید میکنیم که
وظیفه مجلس این است که متخصص خارجی را تصویب
بکند و کنترات آن را اختصاص بخودش بدهد این
در حقیقت همانطور که فرمودند يك تصریح بدموردی
است برای این که تکلیف مجلس همین هم هست
و ما در يك موقع دیگری يك تکلیفی برای مجلس معین
کنیم تصور میکنم مورد نداشته باشد. مقصود چیست؟
مقصود این است که کنترتهائی که میشود خارج از دو
قسم نیست یا کنترات داخلی است یا خارجی. کنترات
خارجی صرفاً بر طبق قانون اساسی باید بتصویب مجلس
باشد و اینجا ما در يك قانونی مجدداً بنویسیم که باید
بتصویب مجلس باشد این در حقیقت ما يك جمله از قانون
اساسی را در يك قانون عادی انتقال داده ایم. وقتیکه
ما نوشتیم بر طبق قانون اساسی این تصریح میکنند که
باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد و کنترتهای داخلی
هم بر طبق قوانین موضوعه که قانون استخدام یا قانون
تشکیلات ما باشد در اینصورت تصور میکنم نظر اساسی
نماینده محترم را کمیسیون در نظر گرفته و در اینجا اگر
این را بنویسیم ما يك عبارتی از قانون اساسی را انتقال
داده ایم در يك قانون عادی و این معنی ندارد

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده هم همان نظر آقای مخبر را تأیید میکنم
بنده اساساً وقتی که خود آقای شیروانی در کمیسیون
پیشنهاد کردند که قانون را بنده مخالف بودم و عقیده ام

اینکه این جا در این ماده قانون مقصود این بوده است
که يك چیزی از مجلس بگذرد و تصویب شود که
اختیاراتی بدولت بدهیم که بموجب آن همیشه بدون
هیچ قیدی جز رعایت مواد قوانین موضوعه درین باب
متخصص ایرانی هر وقت لازم داشته باشد استخدام بتواند کند ولی
مجلس برای اینکه برای اعمال آینده خودش رویه پیش بگیرد
لازم نیست قانون بگذارند و معنی «برطبق قانون اساسی»
این است که مجلس رأی بدهد که اگر مریک متخصص
خارجی داشته باشیم و بخواهیم استخدام کنیم باورند
بمجلس وین جا رأی بدهیم یعنی خودمان تصویب میکنیم
که اگر خواستیم خارجی استخدام کنیم بیاوریم این
جا رأی بدهیم در صورتی که این مطلب خود در قوانین
اساسی منظور شده و حاجت بدرج و تکرار آن در
قوانین جدید نیست پس مقصود صرفاً این بوده است
که بر طبق قوانین موضوعه دولت میتواند است
فنی ایرانی را استخدام نماید ولی چون لفظ «ایرانی»
با «بومی» بعد از لفظ متخصص قید نشده لهذا معنی آن
اعم از داخله و خارجه میشود و آنچه در صورت عدم
قید لفظ «ایرانی» باید بوسیله عبارتی که پیشنهاد
کردم رفع امکان شبهه را در آنجا کرد. حالا این تصور شده
است: وقتی که گفتند بر طبق قانون اساسی و قوانین
موضوعه این «بایهم یا بتمهیم» اشاره دارد و اینکه
اگر خارجه باشد مطابق قانون اساسی و اگر داخله
باشد مطابق قوانین موضوعه دولت میتواند استخدام کند
ولی این مطلب خود واضح است و بنده هیچ
احتیاجی نمیدیدم که نوشته شود اگر خارجه را
میخواهیم استخدام کنیم باید بتصویب مجلس باشد ولی
حالا آنچه درین جا باید تصریح بنویسیم که اگر خارجی
هستند مطابق قانون اساسی باید مجلس بیاید و متخصص
داخلی هم مطابق قوانین موضوعه و صحیحش هم این
است و چون لفظ «ایرانی» درین جا نوشته نشده است
بنده پیشنهاد کردم که در آخرش اضافه شود یعنی ابقاء

این بود که توضیح واضح است و ما بالاخره نمیخواهیم قانون اساسی را در قانون عادی محکم بکنیم و قتیکه لایحه بمجلس آمد و آقا پیشنهاد فرمودند که این قید بشود مجلس هم قابل توجه دانست ولی بعد در کمیسیون دومرتبه مراجعه شد و تصور میشود اگر مجدداً باین عبارت مراجعه بفرمایند همین طوری که نوشته شده است که برطبق قانون اساسی و قوانین موضوعه دولت متخصص را کنترات میکند کافی است. زیرا مسلم است که کنترات خارجی ها و غیر ایرانی باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد ما هم اینجا نوشتیم برطبق قانون اساسی. قانون اساسی هم همین است دیگر. و باز مطابق قانون استخدام کشوری دولت میتواند متخصص ایرانی را بدون تصویب مجلس کنترات نماید آن را هم در این جا نوشته ایم برطبق قوانین موضوعه معذالك اگر چنانچه مجلس عقیده اش این است که عبارت خیلی واضحتر از این نوشته شود بنده هم مخالفتی ندارم ولی باعث میشود که دوسه مرتبه لایحه بر گردد بکمیسیون و موجب تأخیر لایحه خواهد بود

رئیس -- رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای زوار.

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره يك بعد از منتظرین خدمت کله (فارغ التحصیل مدارس عالیة ایران) اضافه شود.

رئیس -- بفرمائید

زوار -- بنده از موقع استفاده کرده میخواهم عرض کنم که این قانون استخدام يك درد بیدرمانی شده برای ما از آقایان اعضاء کمیسیون داخله هم استدعا میکنم که زودتر آن موادی که برای اصلاح قانون استخدام است تقدیم مجلس کنند البته در اداره راه آهن يك دوائر مکاتبات و مراسلاتی و محاسباتی هم هست و ما هم باین

اندازه فارغ التحصیل هائی داریم و این ها با يك نظر یأس و ناامیدی به مملکت خودشان نگاه میکنند و از بیکاری مشغول گر کردن خیابانها هستند. بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که مانعی نخواهد داشت در دائره مکاتبات و محاسبات این فارغ التحصیل ها پذیرفته شوند زیرا اینها حقیقه منور هستند -- و باید مملکت از وجودشان استفاده ببرد.

رئیس -- آقای یسائی

یسائی -- اساساً يك فکری در بین نمایندگان محترم و خارج از مجلس هست و البته يك روزی هم باید حقیقی بشود. ما اگر بخواهیم مجدداً در پرسنل ها بر روی اشخاص باز کنیم باز يك انقلاب اداری که معلوم نیست بصرفه مملکت باشد دوباره ایجاد خواهد شد. اساساً این يك موضوعی است قانون استخدام کشوری فعلاً هست. تعرفه هر کس معین است و هر کسی مشغول کار خودش است و حالا از نو اگر ما بخواهیم يك بانی مفتوح کنیم برای اشخاص خارج تصور میکنم کار به تناوب خواهد رسید. اگر مراجعه به پرسنل ها بکنیم اسامی اشخاص سابقه دار خیلی بیشتر از شغل و مشاغل است. و در این صورت قهراً کار به تناوب خواهد کشید و همان مسئله تأمین آتیه که دوسه سال است بگوش ما کمتر میرسد تجدید میشود. یعنی من که مامور دولت هستم و در سیستان مشغول کارم. چون همان طور که فرمودند يك کسی در خیابانهای طهران میگردد و متوجه است که چطور مرا از سرکارم بلند کند و خودش جای مرا بگیرد. مدتی کار میکند و بالاخره با همان اصول قدیمه هم موفق میشود که مرا بلند کند و آنوقت من باید بیایم بطهران و کوشش کنم که او برود و این ترتیب کارها را فلج خواهد کرد. پس بهتر این است مطابق همین قانون استخدام عمل شود. و بطوری که مواد اولیة این قانون پیش بپی کرده راه باز است برای محصلینی که بخواهند وارد کار شوند. فکر جناب عالی

کاملاً مورد تقدیر است و در اینکه محصلین را باید تشویق کرد شکی نیست. ولی این فتح باب را برای اداره راه آهن قائل نشوید و نگذارید که يك توسلانی در اطراف استخدام این اداره بشود يك اشخاصی مستخدم دولت هستند و تعرفه ها شان هم گذشته است و حالا عوض اینکه اینها بیاورند اگر بخواهند از خارج يك اشخاص را بیاورند اسباب تراحم خواهد شد. این اداره باید دائره اش کوچک بشود و وزارت فوائد عامه و وزارت مالیه را نباید زحمت بپردازیم باینجهت بنده نمیتوانم با این نظر آقای زوار موافقت کنم

زوار -- بنده توضیحی دارم

رئیس -- رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای زوار. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای حقنویس

(مضمون ذیل خوانده شد)

اینجانب حذف جمله (و متخصصین فنی که هنوز کنترات آنها منعقد نشده است) را از تبصره اولی پیشنهاد میکنم.

رئیس -- آقای حق نویس

حق نویس -- عرض کنم پیشنهاد شد پرداخت روز مزدی ممنوع شود. و متخصصین فنی هم کنترات شوند منتهی اشخاص داخلی مطابق قوانین موضوعه و متخصصین خارجی بر طبق قانون اساسی استخدام و کنترات میشوند در این جا اینطور نوشته شده است که متخصصین فنی بر طبق قانون استخدام و قوانین موضوعه کنترات می شوند و باستثنای عمده و سر عمده و اجزاء جزء و متخصصین فنی که هنوز آنها را کنترات نکرده اند با آنها عنوان روز مزدی میشود مزد داد در صورتیکه در فوق تصریح شده است که متخصصین فنی کنترات میشوند. با این

تصریح آنوقت در این جا متخصصین فنی را از محل روز مزدی استثناء کردن به عقیده بنده معنی ندارد برای اینکه اگر متخصصین فنی خارج باشند باین طور که اگر متخصص خارجی باشد بموجب قانون اساسی و تصویب مجلس و اگر داخلی باشد مطابق قوانین موضوعه استخدام خواهد شد در این صورت متخصص روز مزدی دیگر باقی نمی ماند که مشمول این عبارت شود.

آنوقت متخصصین فنی را از محل روز مزدی استثناء کردن و در ردیف عمده و سر عمده و اجزاء جزء قرار دادن به عقیده بنده معنی نخواهد داشت. و مخالف فراز فوق است. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که کله متخصص فنی که هنوز کنترات آنها منعقد نشده است حذف شود که عبارت این طور بشود: مستخدمین اداری از لیست منتظرین خدمت انتخاب و متخصصین فنی هم بر طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه کنترات و پرداخت روز مزدی ممنوع است باستثنای عمده و سر عمده و اجزاء جزء.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- چون آقای حقنویس تشریف نداشتند میدانند چقدر ما اعتراض باین که داشتیم از جهت اینکه يك اشخاصی هستند که فوق العاده در اداره راه آهن محتاج الیه هستند از این نظر این کلمه را ما نوشتیم و دولت هم مواظب است که اشکالی ایجاد نشود. و بنده بیشتر از این توضیحی عرض نمیکنم.

رئیس -- رأی باید بگیریم ماده اول با تجزیه برای اینکه پیشنهاد آقای حق نویس هم رعایت شده باشد سه قسمت میشود بعد رأی بگیریم

(ماده اول بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول -- مجلس شورای ملی برای اجرای قانون تصویب ۵ اسفند ۱۳۰۵ راجع بر راه آهن در سنه ۱۳۰۶ تا حدود پنج ملیون تومان بدوات اعتبار میدهد بخارج لازم برای ساختمان راه آهن از قبیل خرید ادوات -- حقوق متخصصین -- مزایا و غیره -- تحت نظارت و تفهیش رئیس کل

مالیه بعمل خواهد آمد. دولت مجاز است که اعتبار مخارج مصوبه برای یکسال را در سالهای دیگر مصرف و بادر حدود آن نعهدانی برای سالهای دیگر بنماید

رئیس -- رأی میگیریم بماده اول بنزیهی که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. تبصره دو قسمت میشود.

(قسمت اول بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره اول -- مستخدمین اداری راه آهن از بین مستخدمین رسمی وزارت خانه ها اعم از متصدیان شغل و منتظرین خدمت انتخاب و منحصصین فنی برطبق قانون اساسی و قوانین موضوعه کنترات خواهند شد و باستانداه عمل و سرعمله و اجزاء جزء پرداخت حقوق بعنوان روزمزدی ممنوع خواهند بود.

رئیس -- رأی گرفته میشود باین قسمت. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. قسمت ثانی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

-- و باستاندای منحصصین فنی که هنوز کنترات آنها منعقد نشده است و عمل و سرعمله و اجزاء جزء پرداخت حقوق بعنوان روزمزدی ممنوع خواهد بود.

رئیس -- رأی گرفته میشود باین قسمت (و باستاندای منحصصین فنی که هنوز کنترات آنها منعقد نشده است)

این بحسب پیشنهاد آقای حقنویس است که پیشنهاد کرده اند حذف شود. آقایانیکه این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد حالا رأی میگیریم به مجموع هر دو قسمت که رأی داده شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. رأی میگیریم به تبصره دوم و سوم. اگر لازم است قرائت شود

بعضی از نمایندگان -- خیر لازم نیست

رئیس -- پس رأی گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. مذاکرات در کلیات است -- آقای دکتر مصدق.

دکتر مصدق -- چون جواب هائی که آقای هدایت وزیر سابق وزارت فوائد عامه نسبت بعراض بنده دادند بنده را قانع نکرد این است که حالا بنده عقیده خودم را نسبت بجواب ایشان عرض میکنم و بعد نظریاتی که دارم بعرض آقایان میرسانم. آقای هدایت سه فقره جواب

به بنده مرحمت فرمودند اولاً بنده اگر عرض کردم که کامیون را نباید بجای راه آهن ما استعمال کنیم مقصودم این نبود که از کامیون تشویقی شده باشد. و یا بر واردات مملکت افزوده

شده باشد. در حقیقت هیچکس نه برضد پالکی و کجاوه اقداماتی کرده و نه از کامیون و اتومبیل تعریفی نموده.

اختراعات جدید و قتیکه وارد يك مملکتی میشود بواسطه تجدد خودشان قائم مقام چیزهای کهنه میشوند خواه آن مملکت حاضر برای قبول آن باشد خواه نباشد.

سابقاً اگر کسی میخواست به عتبات برود بگانه وسیله حرکت او که خیلی راحت بود تخت روان بود و البته يك تخت روانی صد تومان خرج داشت و چهل پنجاه روز هم طول میکشید تا مسافر بمقصد برسد. و يك وقایع و حوادثی هم ممکن بود در عرض راه برای او رخ دهد ولی

بعدها باینکه اتومبیل آمد صرفه جوئی در زمان ، صرفه جوئی در پول و راحتی سبب شد که اتومبیل قائم مقام تخت روان شد. حالا اعم از اینکه ما قبول بکنیم

یا قبول نکنیم اتومبیل در این مملکت هست. ما باید کاری بکنیم که صادرات ما زیاد شود یا از بعضی واردات مملکت خودمان کم کنیم. اگر بنده عرض کردم که خود دولت مقتضی است سرویس کامیون را اداره کند برای این بود که يك محسناتی دارد.

امروز کامیون و اتومبیل در این مملکت هست و اگر يك کسی از افراد مردم بخواهد کامیون برای خودش بخرد شاید چهار هزار تومان برایش خرج داشته باشد

ولی وقتی که دولت و یا شرکت های خارجی بخواهند این کار را بکنند شاید به دوهزار تومان بتوانند بخردند پس این صرفه جوئی باعث میشود که واردات مملکت کم شود و همچنین اگر دولت خودش سرویس کامیون را اداره کند مخارج عمومی کمتر میشود. چنانچه این

مسئله مسلم شده که شرکت های بزرگ اروپا هر قدر بزرگتر باشند و سرمایه شان زیادتر باشد مخارج عمومی شان کمتر است و بالعکس هر قدر کوچک تر باشند مخارجشان زیادتر است. باین جهت بنده عرض کردم که امروز

کامیون در این مملکت هست اگر خود دولت اداره کند هم خریدار از خارجه کمتر میشود و هم دولت بواسطه کمی مخارج عمومی می تواند صرفه جوئی پیدا کند و

برای دولت و مردم هم ارزان تر تمام خواهد شد. و برای صادرات مملکت هم مفید خواهد بود. تا بیجا فرمایش دیگری که فرمودند این بود: «اگر راه آهن

بدبود چرا جاهای دیگر کشیده اند. و من باب مثل فرمودند مثلاً روسیه رفته تشریف اقصی راه آهن کشیده بنده عقیده ام این است که اصلاً مال نباید وضعیت ایران

را با روسیه مقایسه کنیم و در اینجا جای قیاس نیست و در واقع قیاس مع الفارق خواهد بود. دولت روسیه نظریات سیاسی داشت. نظریات نظامی داشت. چنانچه

در ایران هم همان نظریات را داشت و اعمال میکرد. تصور میفرمائید وقتی که روسیه آمد و در این جا راه آهن کشید نظرش فقط نظر اقتصادی بود؟ خیر! نظریات

سیاسی داشت. نظریات نظامی داشت. این نظریات بود که او را وادار بکشیدن راه آهن کرد. ما که امروزه نظریه سیاسی و نظامی نداریم و فقط از نقطه نظر اقتصادی می خواهیم راه آهن بکشیم

و از نقطه نظر اقتصاد باید به بینیم راه آهنی که میکشیم فائده دارد یا نه؟ اخیراً در این رابطه از طرف اداره کل طرق و شوارع منتشر شده بنده مطالعه ای کردم راجع به راه آهن

تبریز مینویسد که راه آهن تبریز و کشتی راه دریاچه ارومیه باستاندای ترانس ها که پوسیده و لوکوموتیف و کارخانجات که غیر قابل استفاده است مرتب میباشد و

راه آهن از تبریز بخلف سیصد و شانزده هزار و سیصد ترانس دارد که در صد نود و نه بی آن پوسیده و لازم است فوریت تعمیر شود. زیرا چوب این ها از کاج روسیه است و مدت دوام کاج روسیه بیش از پنجسال

نیست. در صورتیکه عمر ترانس های جنگلی بیش از ده سال است. و آنهایی که باقی مانده بطوری پوسیده است که خود دوستدار با سهولت می توانست آنها را

با دست متلاشی کند و مخصوصاً چرخهای لوکوموتیف باس آور است بطوریکه هیچوقت اطمینان کامل از وصول قطار بمقصد نیست. در اروپا برای لوکوموتیف شانزده

سال عمر قائل شده اند و بعد از این مدت يك تکه آهنی خواهد بود. الی آخر راپرت.

بنده این راپرت را که ملاحظه کردم عایدات سنه ۱۳۰۰ را بیست هزار و شصت و هشتاد و سه تومان و عایدات سنه ۱۳۰۱ را چهار هزار و پانصد و هشتاد و سه تومان و عایدات سال ۱۳۰۳ را

هفت هزار و هشتصد و شش تومان پس از وضع مخارج پیش بینی کرده اند. وقتی يك راه آهنی که ده میلیون خرج شده باشد پس از وضع مخارج عایدات آن در این سه سالی که بنده خواندم از بیست هزار

تومان تجاوز نکند و امروز هم اگر بخواهند تعمیرات بکنند و ترانس ها را عوض کنند مبالغ زیادی خرج

دارد در صورتیکه اگر عمر لوکو موتیف ها هم شانزده سال باشد بعد از آن حکم آهن پاره را خواهد داشت تمام این ها کاملاً ثبت میکنند که ترتیب از چه قرار بوده و روسیه از نقطه نظر اقتصادی این راه آهن را نکشیده بلکه نظر سیاسی داشته. از این جهت اگر ما بخواهیم راه آهن خودمان را با روسیه مقایسه کنیم هیچ صحیح نیست. ثالثاً - آقای هدایت فرمودند که احداث راه شوسه در ایران چهل و پنج میلیون خرج دارد. مطابق صورتی که در فوائد عامه تهیه شده این طور فرمودند این صورت را بنده هم دیده ام ولی باید دانست که این چهل و پنج میلیون خرج برای هفده هزار و بیست و یک کیلو متر است یعنی اگر بخواهیم هفده هزار و بیست و یک کیلو متر خط را شوسه کنیم چهل و پنج میلیون خرج دارد ولی اگر بخواهیم خط از بندر جز تا محمره را شوسه کنیم بیش از دوسه میلیون الی چهار میلیون خرج نخواهد داشت. زیرا بطوریکه در موقع طرح قانون راجع براه آهن در مجلس خودشان اظهار فرمودند مسافت این راه هزار و شصت و هفتاد کیلومتر است و بنا بر این سه چهار میلیون بیشتر خرج شوسه کردن این راه نیست. و آن چهل و پنج میلیونی که فرمودند برای کلیه راههای مملکت است. بعلاوه ساختن خط آهن از بندر جز تا محمره ما را از سایر خطوط شوسه بی نیاز خواهد کرد

اگر ما از محمره الی بندر جز راه آهن داشته باشیم آیا میتوانیم بگوئیم همین برای ما کافی است و دیگر خط شوسه لازم نداریم. خیر. آنوقت ما از محمره تا بندر جز را راه آهن داریم در صورتیکه در سایر نقاط باز باید با قاطر و کاری مسافرت کنیم. از حالا تا ده سال دیگر هم که راه آهن نخواهیم داشت و در این مدت هم مجبوریم همین راه از محمره الی بندر جز را با اتوموبیل و گاری حرکت کنیم. در هر حال فرضاً که این راه هم ساخته شود باز ما مستغنی نخواهیم شد و سایر راهها هم احتیاج خواهیم

داشت در صورتیکه اگر ناچهل و پنج میلیون های ایران را شوسه بکنیم و در ظرف ده سال هم این کار را بکنیم هر سالی چهار میلیون ونیم میشود و بالاخره تمام راههای ما شوسه میشود و یک مرتبه هم خرج نمیشود و تمام خرج هم در خود ایران میشود در صورتیکه اگر بخواهیم راه آهن بکشیم هر چه خرج شود نصفش بخارجه خواهد رفت و از مملکت بیرون میرود. و پس از همه این ها آنوقت یک خط آهنی خواهیم داشت از بندر جز به محمره. و حال آنکه اگر تمام خطوط ایران را با چهل و پنج میلیون شوسه کنیم آنوقت بوسیله سرویس اتوموبیل و کامیون می توانیم تمام مؤسسات جدید را در مملکت ایجاد کنیم.

این بود فرمایشاتی که آقای هدایت فرمودند و بنده ناچار شدم که یک جوابهایی حالا عرض کنم. دیگر اینکه فرمودند مرحوم صنایع الدوله معتقد باین نقشه بود و همچو خاطر هم هست که فرمودند نقشه راه آهن مرحوم صنایع الدوله هم همین بود که من حالا اختیار کرده ام. بنده گمان نمیکنم کسی براه آهن مخالف باشد و اگر مرحوم صنایع الدوله یک عقایدی آنوقت داشتند ربطی به حالا ندارد اگر امروز هم ایشان بودند. شاید با بنده موافقت میکردند. زیرا وقتی که میدیدند با کامیون و اتوموبیل بهتر میشود استفاده کرد. شاید این قسمت را ترجیح میدادند. در آن تاریخ اینقدر کامیون و اتوموبیل در اروپا نبود و در خود اروپا کامیون و اتوموبیل با راه آهن رقابت نمیکرد. ولی امروزه اینطور نیست و کامیون در اروپا براه آهن رقابت میکند و از قراری که بنده اطلاع دارم بعضی در جاها کامیون را بر راه آهن ترجیح می دهند. بعلاوه برای وضعیت فعلی مملکت ما هم کامیون بهتر است ولی از یک چیز بنده خیلی متأثرم و آن این است که از افکار عمومی طوری نباید باشد که از آن سوء استفاده کرد. مرحوم صنایع الدوله یک کسی بود که باین مملکت خدمت کرده بود و در راه خدمت مملکت بدرجه شهادت

رسید و حالا بنده واقعاً نمیدانم مرحوم صنایع الدوله همین نقشه را داشته یا نه؟ اگر نقشه مرحوم صنایع الدوله همین بوده که بنده مخالفم و اگر این نبوده بنده خیلی حیف میدانم که نسبت بکسی که این اندازه در راه مملکت خدمت کرده یک نسبت هائی داده شود که واقعاً عقیده او نبوده است. بنده این نقشه را از نظر اقتصاد و سیاست برای مملکت مفید میدانم.

اما از نظر اقتصاد. یک وقت یک کسی به بنده مشورت کرد و گفت من می خواهم یک درشکه نگاه دارم زیرا از دست درشکه های کرایه به تنگ آمده ام گفتم چرا؟ - گفت برای اینکه عروقت که درشکه سوار میشوم هر جائی که پیاده میشوم دعوی کرایه را دارم و در بعضی جاها هم اصلاً درشکه کرایه نیست و ناچارم از جا های دور درشکه بخواهم و مبالغی باید اضافه بدهم. از آن طرف اگر خودم هم بخواهم درشکه نگاه دارم سواری من اینقدر نیست که قادر بر این باشم که مستقلاً یک درشکه را اداره کنم زیرا یک درشکه ماهی پنجاه تومان خرج دارد و من روزی دو مرتبه که سوار شوم کرایه آن در ماه دوازده تومان میشود و بنا بر این حساب سی و هشت تومان کسر محل دارم. من باور گفتم که شما ممکن است یک درشکه کرایه درست بکنید هر وقت که سوار میشوید خودتان استفاده میکنید و هر وقت هم که سوار نمیشوید ممکن است کرایه بدهید و از عوائد آن کسر محل را جبران کنید. و بنظر بنده این شکل از همه ترتیب ها صرفه تر است. آن شخص تصدیق کرد حالا ما می خواهیم راه آهن بکشیم و باید طوری بکشیم که هر وقت خودمان می خواهیم از آن استفاده کنیم و هر وقت که خودمان نخواستیم بوسیله دیگران از آن استفاده کنیم. خوب دیگران به چه ترتیب از راه آهن ما استفاده خواهند کرد؟ امروز اگر کسی بخواهد از اروپا بایران بیاید از کجا خواهد آمد؟ آیا از غرب میآید میرود به شرق یا از شمال

شرق میآید به غرب؟ اروپا در مغرب ایران واقع است و اگر از خارج کسی بخواهد بایران بیاید باید از شمال غربی از طرف آذربایجان بیاید و از این راه برود به هندوستان و شرق. راهی که اروپا را آسیا متصل میکند همین است. که از غرب بیایند و بشرق بروند. حالا اگر ما بخواهیم راه آهن را اجاره بدهیم و مسافری اروپائی و مال التجاره آنها را کرایه بدهیم باید طوری باشد که از غرب بشرق برود ولی راهی که در این نقشه معین شده دربروند فقط برای سواری صاحب درشکه خوب است و البته وقتی که ما ماهی دوازده تومان باید کرایه درشکه بدهیم صرفه ندارد که ماهی پنجاه تومان خرج کنیم. اگر ما یک راه آهنی درست کنیم که غرب را بشرق متصل کند و مال التجاره اروپا را آسیا برساند فائده برای ما نخواهد داشت. و این راهی که فعلاً دولت در نظر گرفته بر خلاف مصالح اقتصادی است. اما از لحاظ سیاسی وقتی که نظر اقتصادی تأمین نشد و برای ماصرفه نداشت که یک راه آهنی را بکشیم و تمام کنیم مثل یک کسی خواهد بود که فقط ده هزار تومان سرمایه داشته باشد و اگر این سرمایه اش را خرج کرد برای اینکه خانه بزرگ بسازد در وسط کار ناچار میشود که با آن خانه را همینطور نیمه کار بگذارد یا مجبور است بدیگران واگذار کند که آنها برایش بسازند. یکی از جراید مرکزی نوشته بود که اگر ما از خارج پول قرض کنیم و راه آهن بسازیم بهتر است زیرا پولی که در جریان مملکت هست از جریان نمی افتد و برای مملکت ضرر نیست. این حرف صحیح است ولی در صورتی است که آن پولی که ما از خارجه میگیریم بدون فرع باشد. ولی وقتی که ما به فرع مجبوریم پول قرض کنیم صرفه نخواهد داشت مثلاً اگر ما هشتاد میلیون پول از خارجه قرض کردیم خود این مبلغ در سال شش میلیون تنزیل خواهد داشت. در ظرف ده سال اگر بنا باشد ما سالی شش میلیون تنزیل بدهیم در صورتیکه

قانون

اجازه پرداخت بقیه مطالبات کپانی شنیدر کروزو فرانسوی بدوقسط متساوی

مصوب ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه می دهد که پس از اخذ قرار داد ممضی دولت وقت مورخه اول اوت ۱۹۰۵ از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه که در آن تاریخ از بابت قیمت این اسلحه ها صادر شده بشرحیکه در مواد قرار داد در کمیسیون بودجه ملاحظه شده و دریافت اسناد تحویل تمام اسلحه بدولت ایران از کپانی شنیدر کروزو و رسید وصول تمام طلب و اسقاط کلیه دعاوی کپانی از دولت ایران مبلغ هشت میلیون فرانک کاغذ بقیه مطالبات کپانی شنیدر کروزو فرانسوی را بنرخ هفتم اردیبهشت ۱۳۰۶ بقران تسعیر نموده از بابت بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بدوقسط متساوی بپردازد

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه نهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی رسید

که در این موقع لازم بود عرض کنم و از نظر صلاح مملکت بعرض رساندم. در قانون شرع مقدس میگوید مسکرات حرام است. چرا؟ - بجهت اینکه مفسد دارد و امروز بعد از هزار و سیصد سال مفسد آن معلوم شده و تمام حکمای اروپا و اطباء و فلاسفه امروزه باین حقیقت بن برده اند حالا فرض کنیم دو نفر آدم باشند و بکنفر از آهن ندانسته و با از روی اجبار ندانست و تفهیمید و بک مسکر یا مشروب در اطاق بود و او خورد یا او را مجبور کردند که بخورد هر عملی که از او صادر شود مسؤل نیست زیرا تفهیمیده است. ولی ما که امروز می فهمیم و ملتفت میشویم این قدمی که میخواستیم برداریم خوب است یا نه نمیتوانیم بگوئیم چاره نداشتیم. و نمی توانیم فرض کنیم چون لایحه راجع برآه آن تصویب شده حالاً این رأی را بدهیم و ناده سال خودمانرا گرفتار کنیم. و بگوئیم چون لایحه راه آهن تصویب شده و فلانقدر پول هم خرج شده حالا بک خرج دیگری هم بر او بار کنیم. الامتناع فی الاختیار لاینافی الاختیار. امروز ما اختیار داریم و باید فکر و تأمل کنیم و به بینیم اگر صلاح است بکنیم و اگر صلاح نیست نکنیم.

رئیس - چون عده کافی نیست برای رأی گرفتن گمان میکنم بهتر این است که بقیه مذاکرات بماند برای فردا. لایحه تلگراف بی سیم هم جزو دستور است

(مجلس یکساعت و سه دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

آن پولی هم که قرض کرده ایم بمصرف مفید برسد باز برای ما صرفه نخواهد داشت. چنانچه بنده عرض کردم ما امروز وارد بک دو راهی شده ایم که اگر از طرف راست برویم به بهشت خواهیم رفت و اگر از طرف چپ برویم به جهنم میرویم. ما امروزه بک پولی در مملکت داریم که معادل ناچهارده میلیون است و همانطور بکه در جلسات قبل عرض کرده ام ما باید در این لویج خیلی بدقت مطالعات کنیم زیرا میخواستیم چهارده میلیون پول خرج کنیم در اینصورت چه ضرری دارد اگر ما بک کمیسیون هائی راجع باین موضوع از وزراء سابق و وکلاء و مطلعین تشکیل بدهیم و درست غور و مطالعه کنیم و بک کاری بکنیم که برای مملکت مضر نباشد اگر ما این چهارده میلیون را بیک مصرفی رساندیم که فائده نداشت و در توی خاک کردیم و قائم مقام پول نشد و بخارج رفت و فقط آهن با آن خریداری شد. در حقیقت ما خودمان را بجائی رسانده ایم. در آنوقت نه تنها این چهارده میلیون خواهد رفت بلکه ریش ما گیر خواهد افتاد و ناچار خواهیم بود بک مبالغ دیگری هم خرج کنیم. و متحمل انواع خسارت ها خواهیم شد برای اینکه مملکتی که فقیر شد و پول نداشت وقتی که می خواهد قرض بکنند هر جور تحمیلی را باو خواهند کرد. و همه اینها مربوط به فقر است. شخص فقیر مجبور است معاملات بک طرفی بکنند و هر نوع تخمینی را قبول کند. این ها بود نظریات بنده